

# کارگر امروز

نشریه انتربالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol 6, NO 57, February 1996

سال ششم، شماره ۵۷، اسفند ۱۳۷۴

## همکاری شوراهای اسلامی و مقامات امنیتی برای سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری

### تفنگچی های اتحادیه میهنی ساختمان اتحادیه بیکاران را اشغال کردند



ساختمان اتحادیه بیکاران کردستان در سلیمانیه

در یازدهم فوریه تفنگچی های اتحادیه میهنی به ساختمان اتحادیه بیکاران کردستان عراق در شهر سلیمانیه یورش برداشت و سه نفر از فعالین آنرا بنامهای جبار محسن، جمال محسن و دارا حسن دستگیر و پس از دو روز شکنجه آزاد کردند. حمله و اشغال ساختمان اتحادیه بیکاران کردستان عراق که دفاتر تشکل مستقل زنان، زوجان، معلمان و شورای سراسری کارگران شهر سلیمانیه نیز در آن قرار دارد به بهانه یک اطلاعیه منتشر شده توسط اتحادیه بیکاران در اعتراض به نحوه توزیع مایحتاج عمومی صورت گرفت. کارگران کردستان ساختمان اتحادیه بیکاران سلیمانیه را از چنگال تفنگچی های اتحادیه میهنی بیرون خواهند آورد.

\*

بنیان و خامت اوضاع ایران، مقامات امنیتی رژیم و شوراهای اسلامی با تشکیل یک جلسه اقداماتی را برای سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری در دستور گذاشتند. شیاری معاون امنیتی - سیاسی استان تهران در جلسه گرد همایی کمیسیونهای کارگری شوراهای اسلامی گفت مشکلات کارخانجات را باید در آرامش حل و فصل کرد و در هیچ شرایطی نباید کار متوقف شود. وی بر اهمیت تقویت روحیه بسیجی و حل اختلافات به کمک همه صابان صنایع و مدیران و کارگران اسلامی و کمک به رشد کمی و کیفی تولیدات تاکید کرد. موضوع اصلی گرد همایی کمیسیونهای کارگری شوراهای اسلامی که با شرکت بلندیان معاون امنیتی - نظامی کشور، شیاری معاون امنیتی - سیاسی استان تهران و سیدزاده استاندار تهران برگزار شد بررسی اوضاع کارخانجات و چکونگی برقراری آرامش در آنها بود. بقیه در صفحه ۲

کارگران کمپانی واکس هال انگلستان:

### کاهش یکجایه دو ساعت گار در هفته!

کارگران پیشنهاد مدیریت برای کاهش یک ساعت گار را رد کردند! هزاران کارگر کمپانی واکس هال انگلستان اعتصاب در ماه چهارم صورت میگیرد. مدیریت کمپانی که پیش از این به شدت با هرگونه کاهشی در ساعت گار مخالفت کرده بود اعلام کرد که حاضر است ساعت این کشور تا قبل از افشاگریهای "ساندی تایمز" بی اطلاع بوده است! هال را از ۲۹ ساعت به ۲۸ ساعت بر اساس اسناد موجود تزد شل و مقامات کاهش دهد. بعلاوه کمپانی مزبور در هفته موافقت کرد. این توافق با ادامه

### نقش فعال کمپانی نفتی "شل" در سرکوب کارگران

اصحابه خود با روزنامه "تايمز" اعلام کرد که با کمک های مالی و حمایت های کمپانی شل علیه فعالین کارگری فعالیت می کرده است. فعالیت های اکوتیمو وجود دارد، حاکی پس از افشاگریهای فوق، برایان آندرسن، رئیس عملیات شل در نیجریه، ۲۰ تن از کارکنان خود در منطقه را تهدید به اخراج کرده است!

دولتی و ارتضی نیجریه، این کمپانی مبلغ ۱۰ درصد افزایش دستمزد کارگران پیشنهاد میکند. کارگران گرافی به "اکوتیمو" و هر عملیات علیه مردم آفریقایی در دلتای نیجریه، می پرداخته است. گزارشاتی که در زمینه فعالیت های "اکوتیمو" وجود دارد، حاکی می کرده است. مدیریت شل در عین حال کفته است که این کمپانی از سرکوب و رفتار ارتضی نیجریه علیه کارگران نفت از قتل، شکنجه، تعذیب به مردم آفریقایی، و نایاندگان سیاسی آنها که علیه آلوه کردن محیط زیست توسط شل مبارزه می کردد، است. "اکوتیمو" همچنین در

اعتصاب در ماه چهارم صورت میگیرد. اعتصاب کمپانی که پیش از این به شدت با هرگونه کاهشی در ساعت گار مخالفت کرده بود اعلام کرد که حاضر است ساعت این کشور تا قبل از افشاگریهای "ساندی تایمز" بی اطلاع بوده است! هال را از ۲۹ ساعت به ۲۸ ساعت بر اساس اسناد موجود تزد شل و مقامات

### ۲۲ هزار کارگر فورد برای کاهش ساعت

مبني بر ۹/۲ درصد افزایش دستمزد طی دو سال مخالفت کردند. کارگران انگلستان برگه های رای را برای ۲۲ هزار کارگر این کمپانی ارسال داشت تا برای اعتراض بر سر دستمزد در ماه آینده رای بدene. این تصمیم زمانی اعلام شد که ۹۳ درصد کارگران در بزرگترین کارخانه یکی از کارگران میگویند از آنها انتظار این شرکت در انگلیس با پیشنهاد مدیریت بقیه در صفحه ۴

### اعتراض ۵۰۰ هزار کارگر معدن در روسیه

معادن به دو سوم کاهش یافته است و بسیاری از آنها در معرض خطر بسته شدن قرار دارند. و در بسیاری دیگر دستمزدها با تأخیر چندین ماهه پرداخت می شوند. در اعتراض معدنچیان روسیه که به فراخوان کیته های معدنچیان در ۱۸ منطقه در سراسر روسیه صورت گرفت، ۸۱ درصد از معادن از کار افتاد.

کارگران معدن با خواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود و افزایش نقص مهمی در پیروزی وی در انتخابات ۹۱ داشتند، امروز با اعتراض خود تهدیدی جدی برای برکناری او هستند. در دوره ریاست جمهوری یلتین تولید اجرای وعده های خود، پس از دو روز به

۵۰ هزار کارگر معدن با خواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود و افزایش نقص مهمی در پیروزی وی در انتخابات ۹۱ داشتند، امروز با اعتراض خود تهدیدی جدی برای برکناری او هستند. در دوره ریاست جمهوری یلتین تولید اجرای وعده های خود، پس از دو روز به

### طبقه گارگر، احزاب سیاسی و افقهای اجتماعی

صفحه ۶

کناره گیری اعضای هیئت هماهنگی، واحد سوئد و کانادا از انجمن کارگر تبعیدی

صفحه ۳

عضو است.

### میزگرد مسائل گرهی در جنبش کارگری

صفحه ۱۲



هماهنگی در آشکار نمودن ماهیت گرایش حق آب و گل هنوز کافی نیست. این نوشتہ‌ها حکایت از وجود نقاط تاریک و مبهم در صحنه دارد. نقاط تاریک و ابهامی که به بازگران امکان می‌دهد تا بنان نقاط بخزند و به انکار حقایق پردازند. نوشتہ حاضر با اینکا به استدلالات صریح و روشن و همچنین با مراجعته به استاد، این صحنه زشت و تاسف بار را همراه بازگران آن، عربان و آشکار، در مقابل دیدگان فعالین جنبش کارگری قرار خواهد داد. آشکار نمودن این حقایق نه فقط با هدف کوتاه بیانه اثبات حقایق هماهنگی، بلکه در درجه اول بینین دلیل صورت می‌گیرد تا صفحات سیاه کارنامه این گرایش هیچگاه به نام حیات فعلی انجمن و بنام فعالین جنبش کارگری و کمونیستی ایران ثبت نگردد. باید همگان بدانند که کارگران کمونیست در کمال وفاداری به اصولا و آرمان طبقه خود و با پذیرش ظلم تلغی شکست یک تجربه اجازه ندادند تا باندیزیها و تاریخی از اعمال تاسف بار عده ای افراد غیر مسئول موجب سرشکستگی پیشروان کارگری گردد.

بینین ترتیب نوشتہ حاضر بعنوان سندی از جمعبندی یک تجربه و در عین حال اعلام نقطه پایان مرحله معینی از حیات انجمن کارگران تبعیدی و مهاجر ایرانی است. با انتشار این نوشتہ در سطح انجمن بیش از دوم جزو "محفلیسم در انتهای راه" و بخش تکیلی ترازنامه و آینده انجمن، اعضا هیئت هماهنگی انجمن، واحد انجمن در سوئد و واحد انجمن در کانادا، بهمراه بخشی از همکاران تاکنونی انجمن، کناره گیری این ترتیب خواهد داشت. با این افراد، انجمن و فعالیت‌های دفاعی اش و همچنین حضور افراد و گرایشات مختلف در این حرکت تنها در حکم یک پرده ساتری برای کتمان نمودن این صحنے نسبت به طرح پیشنهادی افرادی که در ظاهر امر بصورت یک گرایش سیاسی و بر اساس پای بندی به اهداف معینی تمایل به پیشبرد فعالیت‌های دفاعی کارگری دارند و در این مسیر تلاش می‌کنند تا با دیگر گرایشات و جریانات نیز متعدد شوند، اما در واقع امر، هم فعالیت دفاعی و هم ظاهر به پای بندی به سوسیالیسم و انقلاب در نزدشان تنها ایجاد می‌کنند. نکته جالب توجه در این میان این بود که ما پیش از دریافت نوشته مزبور، نقطه نظرات متناقض این محفل و همچنین مناسبات باندی آنان را در مقاله سیاسی خود، جزو "محفلیسم در انتهای راه" در نوشتہ شش تن از اعضای کار خود قرار داد تا پرده را کنار بزند، صحنے را زیر نور بگیرد و بالمسکه سیاسی ای که در این صحنے جریان دارد را - همانگونه که هست با تمام کراحتش - به تصویر بکشد و در مقابل دید همگان قرار دهد. علاوه بر آن جهت گیری‌های این نوشتہ حکایت از آن داشت که گرایش معینی تلاش می‌کند تا از طریق کتمان حقایق و با تکیه به جعل و تحریف بر هویت و نقش خود در آیا این صحنے آنگونه که جریان داشته و دارد در مقابل دیدگان همگان قرار گرفته است؟ دو نوشتہ اخیر که توسط محفل هانوفر در پاسخ به جزو این زاویه که منش سیاسی و سنن محفلیسم در انتهای راه منتشر گشت، نشان می‌دهند که گام نخست هیئت

گرفته بود بطور موجزی در سبک نگارش و ادعاهای کاذب اینان گرد آمده بود. بینین سان پاسخ به نوشتہ آنها مبنای نقد کردار سیاسی این گرایش در عرصه تشکیلات قرار گرفت. شیوه پرخورد به طرح، حیات و ارزگانیم تشکل وارد دور جدیدی از بحران خود شد. بخوانی که از پتو حیات انجمن بود. این حقیقت چه بود؟ صحنے ای که در پس چهره انجمن و فعالیت‌های دفاعی - کارگری جریان دارد. صحنے ای که حکایت از نهادی شدن مناسبات باندی و بی پرنیزی بخشی از فعالیت قلبی این حرکت می‌باشد. صحنے ای که در عرصه تشکیلات و نامه‌گونی غیر متعارف در برداشت از اهداف عمومی آن تجلی یافته است. طرح هماهنگی بر اساس مجموعه مطالعات و تجربیات دو دوره متوالی مستولیت هماهنگی و ارزیابی ما از سیر حرکت انجمن و جایگاه گرایشات درونی آن از یکسو و اوضاع و شرایط اخیر مبارزه طبقاتی از سوی دیگر ازانه گردید. علیرغم اینکه خطوط عnde این ارزیابی در

پس از ازانه طرح پیشنهادی هیئت هماهنگی به مجمع عمومی هشتم و تقابل دو گرایش درونی انجمن حول با توجه به تجربیات و شناخت ما از این گرایش یک حقیقت تلغی و تاسف بار در این باره برای ما روش شده بود. جزئی از موجودیت این حرکت بوده و دانایا بصورت ساختار تعريف نشده در عرصه تشکیلات و نامه‌گونی غیر متعارف در برداشت از اهداف عمومی آن تجلی یافته است. طرح هماهنگی بر اساس مجموعه مطالعات و تجربیات دو دوره متوالی مستولیت هماهنگی و ارزیابی ما از سیر حرکت انجمن و جایگاه گرایشات درونی آن از یکسو و اوضاع و شرایط اخیر مبارزه طبقاتی از سوی دیگر ازانه گردید. علیرغم اینکه خطوط عnde این ارزیابی در

## ناده به سوئد

ناده هایی که به قصد درج در این سنت ارسال می‌شود باید:

- ۱ - کوتاه پائیز
- ۲ - تابی شده یا کاملا خوانا باشد
- ۳ - جنابه مایل به درج نام خود نیست تصریح شود تا امضا محفوظ بماند

## کناره گیری اعضا هیئت هماهنگی، واحد سوئد و کانادا از انجمن کارگر تبعیدی

در ژانویه امسال یک جزو ۱۳۶ صفحه ای که حاوی مباحثات درونی انجمن کارگران تبعیدی است از طرف هیئت هماهنگی انجمن و واحدهای مستعفی سوئد و کانادا برای کارگر امروز ارسال شد. دو مطلبی که در زیر می‌خوانید از این جزو انتخاب شده است. کارگر امروز

**حیات هشت ساله انجمن بعنوان سند زنده ای صحت آموزش های مارکس و لنین و تئوریهای مبارزه طبقاتی آنان را بشووند می‌رساند. آموزشها که بر اساس آنها برای کارگران آگاه و متعارض به نظم حاکم هیچ راهی جز مبارزه مشتکل در یک تشکل متنگی به برنامه و ضوابط کمونیستی وجود ندارد.**

دو گرایش (آثارشیم و سویسال دمکراسی) در این مسیر می‌باشد. علم شکل گیری پرسه مباحثات علنی جدی، خودداری گرایش مورد نقد ما از اعلام حضور در انجمن و خارج از آن و بن بست مباحثات نشانگر علم بلوغ سیاسی گرایشات مزبور و به تبع آن علم ظرفیت سیاسی - اجتماعی انجمن جهت فراتر رفتن از موجودیت تاکنون خود می‌باشد.

بنابر اعتقاد ما یکی از درسها تجربه انجمن کارگران را باید در این محققیت جستجو نمود که تلاش برای یافتن یک آلتنتاتیو سیاسی تشکیلاتی از طریق فاصله گرفتن از تجربیات تاکنونی جنبش کارگری و کمونیستی به مناسبتی مفسوش و ناسالم منتہی می‌گردد. این تجربه همچنین به ما می‌آموزد که اتفاقاً صرف برای انتخاب کارگری یک تشکل در خارج از محیط و مناسبات تولید، و با اهداف سیاسی فاقد برنامه و ضوابط روش، نهایتاً تبدیل به گرداب سیاسی آسوده ای می‌گردد.

حیات هشت ساله انجمن بعنوان سند زنده ای صحت آموزش های مارکس و لنین و تئوریهای مبارزه طبقاتی آنان را بشووند می‌رساند. آموزشها که بر اساس آنها برای کارگران آگاه و متعارض به نظم حاکم هیچ راهی جز مبارزه مشتکل در یک تشکل متنگی به برنامه و ضوابط کمونیستی وجود ندارد.

این جزو بخشی از اسناد مباحثات هیئت هماهنگی و واحدهای مستعفی از انجمن کارگران پناهنده و مهاجر به واحدهای انجمن در انگلیس و آلمان بینویسیله استغفا و کناره گیری اعضا هیئت هماهنگی، واحد انجمن در سوئد و واحد انجمن در کانادا را به اطلاع شما می‌رسانیم همراه این نامه شماره دوم جزو "محفلیسم در انتهای راه" را برایتان ارسال می‌نماییم. این دو جزو به مناسبتی مفسوش و ناسالم منتہی می‌گردد. این تجربه همچنین به ما می‌آموزد که اتفاقاً صرف برای انتخاب کارگری یک تشکل در خارج از محیط و مناسبات تولید، و با اهداف سیاسی فاقد برنامه و ضوابط روش، نهایتاً تبدیل به گرداب سیاسی آسوده ای می‌گردد.

حیات هشت ساله انجمن بعنوان سند زنده ای صحت آموزش های مارکس و لنین و تئوریهای مبارزه طبقاتی آنان را بشووند می‌رساند. آموزشها که بر اساس آنها برای کارگران آگاه و متعارض به نظم حاکم هیچ راهی جز مبارزه مشتکل در یک تشکل متنگی به برنامه و ضوابط کمونیستی وجود ندارد.

بنظر ما رسالت انقلابی منافعین منافع طبق کارگر ایجاد می‌کند تا ضمن تلاش مستولانه برای جمعیتی این اما حقیقت دیگری نیز وجود دارد، انجمن خود محصول شکستی بزرگتر و جهت پیش روی کمونیستی تبدیل کنند.

استغفا و کناره گیری می‌باشد. کارگران پناهنده و مهاجر، گامی است در این مسیر.

فروپاشی جناح چپ سرمایه داری، سیر اض محلال و دگردیسی سویسال دمکراتیک چپ بوزوکات و بالاخره سردرگمی سیاسی پرخی گرایشات و مهاجر - در غلطین آنان به آثارشیم، خصلت واحد سوئد - نمای این سیر عقب نشینی در شرایط امروز است. سیر حرکت اخیر گرایشات واحد کانادا و حتی یکی از عوارض آن بوده است.

اعضا هیئت هماهنگی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر - انجمن کارگران پناهنده و مهاجر - در غلطین آنان به آثارشیم، خصلت واحد سوئد - نمای این سیر عقب نشینی در شرایط امروز است. سیر حرکت اخیر گرایشات واحد کانادا و جایگاهی که در آن ایستاده اند، اینها نمود که انجمن کارگران نقطه

۹۵/۱۲/۱۵

## چهاردهمین شماره همبستگی کارگری منتشر شد

همستگی کارگری، نشریه کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا به زبان انگلیسی منتشر شد. چهاردهمین شماره این نشریه از جمله حاری این مطالب است: قطعنامه های اتحادیه های انگلستان و کانادا در اعتراض به رژیم اسلامی، اعتراض به صدور فتوای قتل ریوار احمد توسط عوام رژیم اسلامی در کردستان عراق، گزارش کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی درباره اوضاع کارگران ایران، اخبار بیکارسازیها در ایران، گزارش سالانه حوادث کار در کارخانجات ایران، کمپین برای برسیت شناسی و تعطیلی اول ماهه به بعنوان روز جهانی کارگر در کانادا و آمریکا، چند خبر کارگری کانادا و انگلستان.

\* آیا این صحنے آنگونه که جریان داشته و دارد در مقابل دیدگان همگان قرار گرفته است؟ دو نوشتہ اخیر که توسط محفل هانوفر در پاسخ به جزو این زاویه که منش سیاسی و سنن مناسبات باندی که این گرایش سالها در مقابل جریانات و معافل بکار نخست هیئت

۹۵/۱۲/۱۵

آلمان:

## در درگیری گاردها و اعتصابیون دیسنسی لند

## ۱۴ نفر زخمی شدند!

## و خامت اوضاع اقتصادی و حمله به بیکاران

از جمله پیشنهادات دولت در این رابطه کاهش بیمه دوران بیماری به ۸۰ درصد و کوتاه کردن دوران برخوردی از بیمه بیکاری است.

بنایه گزارش روزنامه "بیلد"، بنقل از کمیسیون مشاغل دولت آلمان، بیکاران باید به کارهای ارجاع شده حتی با دستمزدی کمتر از میزان بیمه بیکاری تن دهند. پیشنهادات فوق با همکاری مدیران و نایندگان کارخانجات و مراکز تولیدی دولت طرح شده ابتدا

## با اعتصاب کارگران، خطوط مسافرتی بلژیک بکلی فلنج شد!

روز ۱۹ دسامبر کارگران خطوط آهن سراسری و کارگران خطوط هوایی سراسری سپاهنا در بلژیک دست از کار کشیدند. با اعتصاب کارگران خطوط مسافرتی و حمل و نقل در سراسر این کشور مختل شد و هرج و مرچ در تمام فرودگاهها و ایستگاههای راه آهن حاکم گردید.

اعتصاب کارگران راه آهن بدنبال تصمیم هیئت مدیره راه آهن بلژیک برای پیکارسازی ۸۵۰۰ تن از کارگران و کارکنان این بخش صورت گرفت. کارگران هوایی سپاهنا نسبت به طرح مدیریت در مورد انجام دستمزدها و افزایش ساعت کار خشمگین هستند. اعتصاب ۱۹ دسامبر تنها یک هشدار به مدیریت این دو بخش بود تا از طرح خود دست بردارند.

## ۲۲ هزار کارگر فورد برای کاهش ساعت

بقیه از صفحه ۱

در مبارزه کارگران فورد برای بست آوردن سهم منصافانه ای از سودی که آنها خود تولید کرده اند، و پیمان دادن به تعیض علیه کارگران در مورد ساعت کار است. کارگران سخت کار کرده اند و انتظار دارند در مقابل چیزی دریافت کنند. او اضافه میکند که میزان مخالفت کارگران با پیشنهاد فورد موضع اعتقادی را در مذاکرات قوی تر میکند.

## استثمار کودکان، پدیده جهانی

من شوند. سازمانده این کار دو شرکت هلندی هستند. سود این دو شرکت علیرغم هزینه های ترانسپورت، سرسام آور است، در حالیکه کودکان کارگر ماهانه فقط نزدیک به ۸۵ پوند مزد دریافت می کنند. کودکان کارگر در این بخش اغلب از ناراحتیهای آلرژی و عفونت انگشتانشان رنج می برند. فشار و فرسودگی ناشی از کار بعدی است که کارفرمایان هر هفته مجبورند ۲۰ کارگر با کارگران جدید تعویض کنند.

و بالاخره در "سواسکسی" هند ۶۰ هزار کودک مشغول تولید فشنجه و کبریت هستند. این کودکان در مقابل کار خطرناک و سی یک لقمه نان بخور و نمیر گیرشان می آید.

بنایه گزارش اتحادیه سراسری کارگران آلمان (دی.گب)، رقم بیکاری در این کشور به بالاترین سطح خود پس از جنگ جهانی دوم رسیده است. معاون رئیس "دی.گب" اعلام کرد، رقم بیکاری از مرز ۴ میلیون گذشت و به ۴۰۰۰ میلیون رسیده است. وی همچنین تأکید کرد که به رقم فوق باید ۱/۴۷۱ میلیون بیکاری که در آمارهای دولتی ثبت نشده اند را اضافه کرد.

لازم به یادآوری است که در دسامبر ۹۴ رقم بیکاری در آلمان ۲/۵ میلیون بود. بعبارتی دیگر نزدیک بیکاری در سال ۹۴/۹ درصد و سال ۹۵/۳ درصد بوده است. بنایه همین گزارش تعداد بیکاران فقط در ماه ژانویه امسال ۲۵۰ هزار افزایش یافته است. رقم بیکاری در شرق آلمان ۱۳ درصد است.

با خامت اوضاع اقتصادی، دولت آلمان بعیتی داده است. و این در حالیست که دولت خواستار کاهش مالیات بر سرمایه ها و دارایی های بزرگ است.

هزاران کارگر معدن روز سه شنبه ۷ فوریه وارد پنجینین روز اعتصاب خود در مناکره با دولت بر سر آینده معدن افزایش ۷۵ درصد از تولیدات ۲۲۷ معدن کشور را فلنج کرد.

کارگران معدن اوکراین در اعتراض به تعیق چهار ماه پرداخت دستمزدشان نهادند. به اعتساب زدند و اعلام کردند تا زمانی که دستمزدهاشان پرداخت نشود، بر سر

دستمزد است. اتحادیه کارگران دیسنسی لند که ۸ هزار کارگر را نایندگی میکنند خواهان افزایش دستمزدی معادل ۱۲۵۰ فرانک در ماه برای کارگرانی است که کمتر از ۱ هزار فرانک میخواستند. به صورت دستجمعی و به حالت اعتراض به درون پارک وارد شوند. در مقابل خشونت محافظین پارک کارگران نیز دارند. دیسنسی لند تنها با دو درصد افزایش دستمزد و یک درصد مزایا موافقت کرده است.

خواست کارگران اعتصابی افزایش پارک زخمی شلنند.

## اعتصاب معدنچیان در اوکراین

کارگران معدن روز سه شنبه ۷ فوریه) وارد پنجینین روز اعتصاب خود شدند. این اعتصاب ۷۵ درصد از تولیدات ۲۰۰ هزار افرادی های آلمان طی یکسال گذشتند. اند. اعضای اتحادیه سراسری که امریز ۹/۹ میلیون نفر است، دو سال پیش ۱۱ میلیون نفر بود.

طبق گزارشات موجود سالانه ۸ هزار نفر در محلهای کار کشورهای اتحادیه اروپا ایجاده اروپا

طبق گزارشات موجود سالانه ۸ هزار نفر در محلهای کار کشورهای اتحادیه اروپا کشته و ۱۰ میلیون نفر دچار سانحه کار می شوند.

آلمان:

اتحادیه های آلمان طی یکسال گذشتند ۴۰۰ هزار عضو خود را از دست داده اند. اعضای اتحادیه سراسری که امریز ۹/۹ میلیون نفر است، دو سال پیش ۱۱ میلیون نفر بود.

کشتار کارگران گشاورزی بنایه گزارش سازمان بهداشت "سازمان ملل" سالانه ۲۵ هزار کارگر گشاورزی به دلیل عوارض ناشی از سیاست در کشورهای در علاوه بر این ۲۵ میلیون نفر در جهان به همین دلیل مسموم می شوند.

لازم به یادآوری است که استفاده از ۳۰ درصد از این سیم در کشورهای تویید کننده آنها منع است.

اعتصاب کارگران دولتی یونان کارگران دولتی یونان بنایه فراخوان اتحادیه سراسری این کشور و با خواست افزایش دستمزد بیان ۱۰ درصد، و کاهش ساعت کار هفتگی از ۴۰ ساعت به ۳۵ ساعت دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعت زدند. اعتصابیون پیشنهاد دولت مبنی بر افزایش دستمزد به بیان ۶ درصد را رد کردند.

۶۰ هزار نفر در خیابانهای بروکسل ۱۰ هزار نفر از کارگران دولتی چهارشنبه ۱۳ دسامبر در خیابانهای بروکسل دست به راهپیمایی زدند. این تظاهرات در اعتراض به برنامه دولت بلژیک مبنی بر کاهش خدمات اجتماعی و نیز علیه فضوصی سازیها صورت گرفت. از جمله برنامه دولت بلژیک، کاهش کمک به خانواده های دارای فرزند، کاهش بیمه بیکاری، بازنیستگی و غیره است.

## بیکاری در روسیه و شرق اروپا

بنایه گزارش "سازمان ملل" نزد بیکاری در شوری ۸ درصد (۵/۷ میلیون نفر) است. علاوه بر این ۳/۹ میلیون نفر اجبارا به کارهای نیمه وقت اشتغال دارند. در کشور چک نزد بیکاری ۳ درصد، در مجارستان ۱۰/۶ درصد و در لهستان ۱۵/۱ درصد است در آلبانی رقم بیکاری ۱۸ درصد است.

بالقوین سود جنجال موقویز در قارچ آن

برزگترین کمپانی ماشین سازی آمریکا، جنرال موتورز، که بجز اتموبیل لوگن مورد استفاده در ارتش و غیره نیز تولید می کند، بالاترین سود تاریخ خود را در سال ۹۵ کسب کرد. سود جنرال موتورز در سال اول و اضافه حقوق کارگران در سال اول و افزایشی معادل تورم در سالهای دوم و میلیارد دلار بیشتر از سال ۹۴ است.

## تظاهرات ۲۰ هزار کارگر گشتی سازی در آلمان

بیش از ۲۰ هزار نفر کارگر گشتی سازی کمپانی "ولکان" مبنی بر متوقف ساختن تمام پرداختی های این کمپانی صورت گرفت. کارگران نگران بسته شدن ۸ کمپانی وابسته به "ولکان" برای حفظ مشاغل خود دست به تظاهرات زدند و خواستار دخالت دولت مکری، سیاستمداران محلی و نیز رهبران کارگری شدند. این کمپانی در سراسر آلمان ۲۲۵۰ شاغل دارد.

انقلابیشان خواهند بود. زنده باد شوراها.

۱۴ فروردین (۳ آوریل)

کوچ عظیم ادامه دارد — سر و کول  
ماشینها پر از آدمهای بخت برگشته  
است — در تریلی یک تراکتور بالغ بر  
۴۰ نفر جا گرفته اند. یکی از تریلیهای  
دو چرخ یک چرخ ندارد. و روی آهن  
راه می رود با ۳۰ نفر. علاوه بر آن  
از گلگیرها و بنده و جلو و عقب آن  
آدمها آویزانند — روی تانکرها و  
داخل تانکرهای خالی بجه ها سر می  
کشند. بر سقف مینی بوسها و حتی  
روی پله های آن — زوی کاپوت عقب  
و جلو و بطرز خطربناکی زنان و مردان  
جا گرفته و آویزان شده اند، حرکت  
بقدرتی کند است که پیاده سریعتر می  
توان عبور کرد. ۱۰ کیلومتر مرز را  
با ۲ تا ۳ ساعت می توان پیمود. با  
این سرعت معلوم نیست تا صبح  
کسی بعایی برسد.

باد و باران از صیغه زود شروع شده و  
یک میلیون آواره بدون سرینهای و بدون  
میج اسکانی زیر باران قرار دارند  
کسانیکه دیشب را هم تا صیغه در  
هوای سرد بگذرد راه پیموده و نخوایله  
نند.

صلای تویخانه دولت طپش قلبها را  
تننتر و گامها را سریعتر و در عین  
حال سست و کم توان می سازد.  
ما می خواهیم در سخت ترین لحظات

در کنار هم باشیم که چه خاطرات تلغی  
و شیرینی با هم داریم و چه آرزوهایی  
که برآورده نشده اند. زمان به ما  
فرصت نداد پایه های عقاید و اتحاد  
و تشکیلات توده های انقلابی و کارگری

را محکم کنیم. آنچه ساختیم هنوز  
هم سریاست و می جنگد. بالغ بر  
۳۰۰ عضو پیشرو جنبش شوراها در  
جهه است. اما فقط پیشروان. توده  
ها فرصت نداشتند در آموزشگاه یک

موقعیت انقلابی پرورش یابند و وسیعاً  
بمیان رسانیدند. اگر وضع اینظری پیش  
برود هر آنچه را که ساختیم فرو می  
ریزد اما تجارب و افتخار و سر برلنندی

یک جنبش رادیکال کارگری و مردمی انتلابی سالهای سال زنده خواهد ماند. ساعت ۱۲ ظهر است. نیروهای دولتی وارد شهر شدن در حالیکه بخشی از مردم هنوز فرست فرار از شهر را

پیشان نکردند. مقاومتی در کار تبود.  
معلوم نیست این همه نیروی مسلح  
جهه احزاب بورژوازی چگونه آب شلند  
و بزمین رفتند. بخشی از فعالین  
مسلح شوراهای در جبهه بین کرکوک -  
سلیمانیه موضع گرفته بودند. قطعاً  
مقاومت سختی کرده اند اما به تنها یعنی  
کاری از دستشان ساخته نیست.

صف طولانی مهاجرین و فراریان از  
حومه شهر سلیمانیه تا مرز ایران  
است یعنی به طول ۷۰-۶۰ کیلومتر،  
این تازه یک خط و یک صف آوارگان

و فرار بطرف مرزه است. دهها صفحه اینطوری از جنوبی ترین قسمت کردستان تا شمالی ترین آن هم اکنون بالغ بر ۱۵ بقیه در صفحه

یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن می‌گوید  
**یادداشت‌هایی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست**

پنجم قسمت

اکنون ۹۰. عجب مصیبتی است!

۱۳ فروردین (۲ آوریل)

ساعت ۸ شب است. ستون ماشینهای حامل آوارگان و فراریان از شهر سلیمانیه بطرف مرازهای ایران بطریل دهها کیلومتر مشاهده می شود. کوچ عظیم زنان و مردان بی پشت و پناه، وجدان کرم خود را بشریت امروز. آخرین شهر بزرگ کردستان، سلیمانیه در انتظار فروع آمدن بمیها و تویها و موشکها است. صدای تویها و بمباران تزدیک شده است و از شهر و اطراف آن شنیده می شود و این باعث شدن نیم میلیون آواره کرکوکی و اربیلی در سلیمانیه بهمراه میزبانانشان - اهالی سلیمانیه - راهی مرازها و دشتها و کوهها شوند. میهمانها و میزبانها هر دو با

مردم پرشور و شوق و انقلابی دیروز  
هم اکنون انسانهایی بی افق، روحیه  
باخته و شکست خورده بنظر می آیند  
جبهه بورژوازی که تنها امیش بد  
حمایت امپریالیستها و بوش است هیچ  
بدل توجهی به این وضعیت ندارند  
قلبش بخاطر سازش، مناکره و گوشش  
چشمی از خارج و دوردستها در آمریک  
می طبد.  
نشانه ای از مقاومت ذلیرانه نیست  
مردم فرصت نیافته اند کاملا سازما  
یابند و امید خود را از دست داد  
اند.  
آینده ای بس تاریک تر از گفته  
سرنوشتی بس خطرناکتر از سابق دارد  
پیش چشم خود مجسم می سازند  
از وحشت این آینده بر خود می لرزد  
— آینده انتقام دولت، قتل عامها  
سرکوب و تعقیرها و زندگی ای تلخت  
از مرگ.  
ایا هنوز امیلی هست؟ آری هنوز  
امیلی هست. به مرکز و پایتخت  
هنوز امید هست و حتی هنوز امیلی  
مقاومت تماما از دست نرفته. آیا  
مردم صرف نظر از احزاب مسلک  
جبهه می توانند سازمانهای نظامی  
خود را توسعه دهند و مقاومت کنند  
و پوزه دشمن را در چنلین نوبت به  
خاک بمالند و شمشیر سرکوبیش را  
کند کنند!!

آبای یا کوچ پرونده شورا بسته شد است. ممکن است اینطور باشد. اما عمر کوتاه‌تر از یک ماه شورا در تاریخ با افتخار و سریلنگی فعالیت‌نشانی ثبت خواهد شد و تجارب و خاطرات آن تا ملتهای طولانی در یادها خواهد ماند و در هر برآمد توده ای راهنمای عمل و تحرک اجتماعی توده های کارگر و زحمتکش برای اعمال اراده کاش می‌شد به این آقایان ناسیونالیست و روشکسته، به این خوکهای کثیف و بی غیرت گفت بی زحمت راهتان را بگیرید و زحمتتان را از سر این مردم کم کنید و بگذارید خودشان تصمیم بگیرند. اما نه. مثل اینکه این آوار، آوار ناسیونالیسم بار دیگر بر سر مردم ریخته خواهد شد و تاریخ تکرار خواهد شد تاریخ سالهای ۶۰ و ۷۰ و

مظفر محمدی

مهم بیمارستانی را با زخمیها و  
برستارها و پزشکها در کرکوک با  
نفاک یکسان گرده.

بسر جوانی می گوید مادرم زخمی  
نمی شد، برادرم رفت او را بلند کنند او را  
نمی زدند نویت خواهیم شد او هم بر  
جسد مادر و برادرم افتاد و مرد و  
من فرار کردم!

مرور نیروهای مسلح شوراهای سلیمانیه  
مستقللاً وارد نبرد شد، صدها نفر  
مسلح، این تنها امید است. صدها نفر  
باید بسرعت هزاران و دهها هزار بشود،  
ین تنها راه است. بنظر می رسد  
دوستان خوب کار می کنند. قرار  
ست وحدت عملی بین دو گروه چپ و  
شورا بوجود باید، خوب است.

اشپرخانه های خلقی باید درست شود  
باباید گذاشت بچه ها از گرسنگی

میگردند. انبارهای شروتمندان را باید  
سینا کرد و خالی کرد، هر کس هر چه  
وارد بدهد. شوراهای رسید بدنهنگ اگر  
بیروزی حاصل شد شوراهای عوضش را  
خواهند داد. این آخرین تصمیمات  
تعالیین شوراهای است.  
نوب ضد ایرانی در شهر بالا گرفته.  
مجاهدین ایرانی این کنترالهای نوع  
دیگر، جنایت و حشتناکی کرده اند.  
آنها دوش بدوش فاتلان دولتی مردم  
را قتل عام کرده اند بخصوص در چم  
چمال. آنها می گویند سرنوشت‌شان به  
سرنوشت این دولت گره خورد. اگر این  
رژیم برود یک رژیم منعی طرفدار  
حکومت اسلامی سر کار خواهد آمد  
و فاتحه شان خوانده است.  
اما این بیشترمها چرا قیام مردم را با  
حکومت منعی عوضی گرفته اند؟  
آیا خرفت شده اند؟ خیر. این عین  
ماماهیت خیانت پیشگی و گنبدگی و  
بسی آبرویی و مزدوری محضشان است  
تنگستان باد!  
اما چرا "جبهه" احساسات ضد ایرانی  
را دامن می زند آیا از این فرصت  
خواهد برای تصفیه حساب با  
کمونیستهای ایرانی استفاده کند؟

۱۲ فروردین (۱ آوریل)

به اریل هم حمله شده.  
صف طولانی آواره ها، زنان، مردان،  
کودکان با پای پیاده و حتی پای  
برخنه به طول دهها کیلومتر از اریل  
بطرف شمال در حرکت است. بجز عده  
معلومی که خرت و پرتوی را بر تراکتور  
و کامیون و تاکسی بار کرده اند  
اکثریت عظیم این انسانهای بی پناه  
هیچ بهمناه ندارند حتی کفشهایشان را  
هوای کوهستانی این منطقه در  
شبها تزدیک به صفر است.

۱۰ فروردین (۳۰ مارس)

خبر وحشتناک قتل عامها، زنان و مردان و کودکان دست و پا قطع شده در گرگوک، بیمارستانها مملو از زخمیها، شهر سلیمانیه پر از آواره ها در کنار خیابانها و در کنار جاده های اصلی پچه های گرسنه که برای یک لقمه نان گذید ممکن است.

یک میلیون آواره و هزاران زخمی -  
بی دارو و بی نان و مسکن. اینها  
مردمانی هستند که تنها ۴۸ ساعت  
طعم آزادی را چشیدند و حالا دارند  
توان آن را پس می دهند. تنها ۴۸  
ساعت فرست داشتند به شورا. فکر  
کنند. تنها ۴۸ ساعت آزادانه در بنکه  
های شورایشان اجتماع کردند. اینها  
مردمانی هستند که یک زن عرب را  
نماینده شورایشان کردند و در یک  
 محله کرد و عرب نشین کرکوک.  
چقدر شایسته آزادی و رهایی اند این  
مردم. در چه دنیا بی زندگی می کنیم  
- میلیاردها انسان در سراسر جهان  
قتل عام این مردم شریف را نظاره  
گزند و کسی دم بر نمی آورد. انکار  
دینا خفه و لال و خرفت شد. چه  
سرنوشتی ما داریم. آیا ما شایسته  
این سرنوشتیم؟

کارمان را باید با شدت بیشتری ادامه بدھیم. تنها یک جنگ توده ای میلیونی ممکن است ما را از این وضع نجات بدهد آیا سوراهای را می توان مسلح کرد؟ آیا فعالیت کنونی این قدرت را دارند؟ جواب سوال هر چه باشد تنها راه همین است. باید رفت این راه را. جنگ بر سر کرکوک ادامه دارد. ۱۶

لشکر و ۱۵۰۰ تانک برای این حمله بکار گرفته شده بعلاوه هلیکوپترها و بمب افکها و موشکهای اسکاد. بنظر می رسد برای دولت این جنگ مرگ و زندگی است و البته برای مردم هم. و همه این را می دانند با موشك اسکاد مردم قیام کننده را زدند. مرد و زن و کودک و پیرها را زدند. چه ظرفیتی برای جنایت و انسان کشی. دولت آمریکا و بوش طرفدار دمکراسی و عدالت بیشترانه نظاره گر قتل عامها است و تائیش می کنند. غریبها با لبخندی گوشه لبهایشان صحنه را تماشا می کنند - آنها می دانند تنها این دولت ظرفیت قتل عام این قیام کنندگان را دارد و ارزیابیشان

۱۱ فروردین (۳۱ مارس)

لحوظه به لحظه بر تعناد کشته ها و زخمیها افزوده می شود — شاید میزان آواره ها از مرز میلیون گذشته. یک

## آینده اتحادیه ها از نقطه نظر بورژوازی

بانک جهانی که بقول هفته نامه اکونومیست - ارگان صریح و بی شیوه و پیله جناح راست بورژوازی در غرب - بزمت میتواند مشوق اتحادیه و اتحادیه گرایی باشد، در گزارش توسعه جهانی، گزارش سالانه اش که در باره مسائل مربوط به کار و کارگران است میگوید: "اتحادیه ها کارگران است میگوید: "اتحادیه ها روابط صنعتی و کارگری هستند. کسی مخالف تشكل در اتحادیه ها نیست. اتحادیه ها تنها مزده را برای کارگران افزایش نمیهند بلکه گرایی بیشتر، تولید بالا و رشد اقتصادی را هم بهمراه دارند. باعث ثبات و آرامش در محیط کار میشوند. برای سازماندهی تولید و آموزش حرفه ای بفرمودن. نهادهایی هستند که از طریق آن کارفرمایان با کارگران مشورت میکنند. علاوه براین اتحادیه ها میتوانند نقش دولتها را در دخالت در مسائل مربوط به بازار کار کاوش دهن. در کشورهایی که اتحادیه ها تحت نشار هستند، دولتها مجبورند دخالت بیشتری داشته باشند و خلاقل دستمزدها را برای گرفتن حمایت کارگران یا جلوگیری از اعتراضات آنان بالا ببرند. این نقش بد و ناموثری برای دولت است". اکونومیست در ادامه میگوید: "وضعیت اندیشه از زمان ۱۹۴۰ فرق کرده است. اتحادیه ها نباید نقش شان را جلوگیری از تغییر تعریف کنند. ممکن است اتحادیه ها اوضاع بین المللی جاری را ندیده بکنند. اتحادیه ها در کشورهای ثروتمند که تقابل دائمی با سرمایه داران و مدیریت را در دستور گذاشته اند یا دستمزدها را خیلی بالا ببردند، با بیکاری بالا و یا کاوش اعضا روپروردند. اینها تیجه نتشی است که اتحادیه ها برای خود از جلوگیری از تغییر قائل شده اند. اتحادیه ها دیگر نمی توانند نقش سنتی شان را در بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها بقیمت بیکاری بالاتر بازی کنند. راه آنها برای بقا، تلاش برای کاوش تورم، افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و کمک به کشورهایشان در رقابت بیشتر در بازار جهانی است". از این رو آینده قابل پیش بینی برای اتحادیه ها، معنو تدریجی آنها بدلیل علم وجود زمینه مادی برای رفع نخواهد بود. اتحادیه های در شرایط عدم وجود مطلق زمینه برای رفع به موجودیت خود ادامه میهند و در رابطه با سرمایه و مدیریت ابزار خوبی برای سازماندهی تولید، کنترل کارگران و نظم امور خواهند بود. این خط مشی بوده است که از جانب بورژوازی طرح و تا جایی که ممکن بوده و عقب نشینی کارگران اجازه داده آن را به پیش بردۀ است.

بقیه در صفحه ۱۱

معروف است، بود. این خود، طبقه کارگر و جنبش کارگری را از در معرض خطر بودن کمونیسم مصون میکرد.

اتحادیه ها و اتحادیه گرایی بعنوان شکل متعین شده رفرمیسم درون جنبش کارگری طی این دوره رشد و نفوذ قابل ملاحظه ای بدل است آوردن. اتحادیه ها بازی گرایش رفرمیسم سوسیالیست یا سوسیال دمکراتیک درون جنبش کارگری بوده و افق آنان شرکت و همکاری با ملیتیت، ملی کردن و رشد اقتصادی بود. برابری طلبی حتی نه به مفهوم سوسیالیستی آن، جایی در افق آنان نداشت.

## بن بست رفرمیسم و جنبش اتحادیه ای

در غرب در دهه هشتاد، بورژوازی تلاش بزرگی برای بازسازی سرمایه را آغاز کرد. اولین قلم در این راه، محدود کردن نقش دخالت دولت در اقتصاد و تقویت سرمایه خصوصی و مکانیسم بازار بود. این اقتداء نه تنها بخش خصوصی و بازار را تقویت کرد بلکه موازنۀ سیاسی، طبقاتی و اینتلولوژیک را تغییر داده و به راست چرخانید. سوسیال دمکراسی و اتحادیه های آن نه تنها در برابر این تحولات در استراتژی سرمایه توانستند مقاومتی بکنند بلکه خود تا حدود زیادی پالترم جناح راست بورژوازی مبنی بر تقویت بازار را پذیرفتند و در کشورهایی که به قدرت رسیدند به اجرای درآوردن.

رفاه رفرمیسم، معنی و محتوی تریدیوتیونیسم برای طبقه کارگر است و وقتی بورژوازی بحران زده است قادر به هیچ رفرمی نیست، اتحادیه هم تعیف میشود و نمیتواند چیزی به کارگر بدهد. این آن چیزی بود که بورژوازی در اروپا از اواخر دهه هشتاد به این طرف اتفاق افتاد. اتحادیه ها با تضییف زمینه های رفم و رفرمیسم تضییف شدند، عضو از دست دادند، به قوانین ضد اتحادیه ای تن دادند و در بسیاری موارد در نقش مشاورین کارفرمایان و مدیریت ظاهر شدند.

توافق با مدیران و صاحبان صنایع در کنترل کارگران، تلاش در قبولاندن شدت کار بالا به کارگران باید در بازسازی از انتقال سرمایه داری در کشور مربوطه ارزان، سیاستهای حمایتگرانه از متابع ملی و اقتصاد ملی برای حفظ مشاغل، منجعند کردن، یا کاوش دستمزدها، گره زدن سیستم دستمزد به سود آوری کار کارگری پس از جنگ دوم جهانی در عین حال ابزار مشورت و همکاری با کارفرمایان و مدیریت برای رشد و انسایش سرمایه میشوند. اشکال این همکاریها متفاوت و بسته به کشور فرق میکند. سوراهای مشورتی، کمیته های ناظرات، مشارکت کارگری و غیره.

روند بوده است. حتی اتحادیه های کارگری که در روسیه پس از تحولات مربوط به شکست سرمایه داری دولتی و حاکمیت بازار تشکیل شده اند، در این میان و در این همکاری و تشریک مساعی با دولت از طریق اتحادیه ها، قراردادهای جمعی، الگوهای مختلفی برای کم کردن شکاف میان درآمدۀ و آنچه که به توزیع ثروت

## طبقه کارگر، احزاب سیاسی و افقهای اجتماعی

اعظم کم گویان

در این مقدمه تلاش کردم که مبانی بحث را روش نکنم. در ادامه به تغییر و تحولات اساسی که در عرصه سیاست و اقتصاد بین المللی اتفاق افتاده است اشاره میکنم.

دهه هشتاد دوران عقب نشینی و بی اعتباری اقتصادهای متکی به دخالت دولت بوده است. روند بازسازی ایدئولوژیک و سیاسی سوسیال دمکراسی در اروپا و آمریکای شمالی میتوان گفت که اکنون به نتیجه رسیده است. درون مایه اصلی این روند دوری از جنبش کارگری و زمینه اصلی نتیجه آن پیدا کردن پایه اجتماعی وسیعتر در میان اقشار متوسط جامعه است. این نقش مهم در بحث ما در زمینه افقهای اجتماعی موجود درون طبقه کارگر دارد و از این رو یک مرور تاریخی در این زمینه لازم بنظر می آید.

## یک مرور تاریخی

پس از پایان جنگ دوم مساله نقش دولت در اقتصاد و ضرورت دخالت آن برای تسريع رشد اقتصادی، بازسازی و انباشت سرمایه وسیعاً مطرح و جا می افتد. اما بازسازی سرمایه تنها دلیل افزایش نقش دولت در اقتصاد نبود. زیر فشار کمونیسم و در رقابت با بلوک شرق که هر دو خطر بسیار جدی برای بورژوازی غرب و هم پیمانانشان بود، تئوری دولت رفاه که دخالت دولت در اقتصاد را تئوریزه میکرد و حاوی کاهش شکاف طبقاتی در جامعه بود، به اینتلولوژی رسی در یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میکند سوسیال دمکراسی تنها راهی است که در قباله مبارزه طبقاتی دارد. مبارزه یک سیستم فکری و یک مکتب نظری و عقیلیتی است، احزاب سیاسی و کمپینهای متنوع خود را دارد. برای عمل اجتماعی و سیاسی تحلیل و رهنمود دارد. همراه یک کشمکش و مبارزه را نشان میبخشد و در جنبش کارگری هم آلترباتیو خودش را دارد. چنگ می اندازد. وقتی فاشیسم کمونیستها را سرکوب و داغان میک

از گزارش سالانه "کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی"

## عرض به حقوق اتحادیه ها

ترجمه: سارا اقبالی

### قسمت دوم

تلاش در تضعیف بین المللی بودن حقوق بشر دارند، از طریق تصویب زنجیره ای از قوانین محدود کننده و نیز دخالت مستقیم در مسائل درونی اتحادیه ها مانع فعالیت آنها می شوند. بیشترین حد خشونت علیه کارگران در آفریقا و آمریکای لاتین، جایی که بکارگیری شیوه های خشونت بار بسیار گسترده است، اعمال می شود. همچنین در این کشورها شاهد روز افزون تضعیف قوانین کاری که از کارگران حمایت می کند، منعیت تشکیل اتحادیه در مراکز تولید و پوشه صادرات و به جای آن جنبش های کارگری تحت کنترل هستیم. اینها تنها نمونه هایی از واقعیت تعرض به حقوق اتحادیه ها است.

مبازه برای تضمین و توسعه حقوق صنفی و اجتماعی همچنان از اهمیت بالایی نزد کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی" برخوردار است. جنبش کارگری بین المللی آزاد هرگز هدف مقدماتی خود مبنی بر دفاع از اعضای خود را از نظر دور نخواهد داشت. در جوامعی که از احترام به کارگران و حقوق اتحادیه ای آنها خبری نیست، ناعدالتی، سقوط در فقر و بحران اجتماعی آنها را فرا خواهد گرفت. نتیجه بلاواسطه چنین وضعی در گزارش شرح حال کارگران و خانواده های آنها که برای دفاع از حقوق خود مورد اذیت و آزار قرار می گیرند و قربانی می شوند، است.

بیل جوردن،  
دبیر کل کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی

از کشورها سیر صعودی دارد، سن. متوجه و درآمد واقعی مردم همچنان رو به کاهش است. بعراهای اجتماعی قابل فهم حاضر که آمارهای موجود به آن اشاره دارند، در صورت علم توجه مثبت به میلیونها کارگر و دهقان استشار شونده منجر به انفجارات بزرگ اجتماعی خواهد شد. نقض و رد حقوق اتحادیه ای از سوی افرادی که در قبال سازمانهای سیاسی و اقتصادی دنیا مستولند، حکمت وضع فعلی را تشخیص می کند.

ظلم و ناعدالتیهایی که در گزارش حاضر مزور می شوند، محدود به قاره معین و یا سطح معینی از رشد اقتصادی نیست. این بوضوح کامل بهایی است که اعضای اتحادیه ها برای تداوم مبارزه جهانی خود علیه دیکتاتورها و قبولاند حقوق پایه ای انسانی به آنها می پردازند. مبارزه کارگران برای آزادی تجمع و سازماندهی خود، اتحادیه ها را همچنان در محور مبارزات قرار می دهد. جایی که انسانها حق تشکیل و تجمع برای دفاع از مسائل و علایق مشترک خود ندارند، هرگونه حق دیگری کاملاً بی معناست.

آنها که ثروت و قدرت را زیر کنترل خود دارند، کاملاً به قدرت اتحاد کارگران واقنند. و این دلیل است که حقوق صنفی و حقوق بشر امروزه مورد حمله قرار می گیرند. گرچه در کشورهای صنعتی خشونت کمتر مورد استفاده قرار می گیرد، اما کارفرمایها با متزیز کردن کارگران و نادیده گرفتن حق مناکرات دسته جمعی آنها از اتفاق زیادی برای نقد و دستیابی به امیال خود برخوردار شده اند. دولتهای آسیایی که با پافشاری بر تفاوت های فرهنگی بین المللی بودن حقوق بشر دارند، از طریق تصویب زنجیره ای از قوانین محدود کننده و نیز دخالت مستقیم در مسائل درونی اتحادیه ها مانع فعالیت آنها می شوند.

کرده اند. ۷۰ درصد از زنان دنیا فقیرترین قشر فقرا را تشکیل می دهند. در حالیکه بیکاری در بسیاری

وسيعتر است. گزارشات حاضر به تصاویری از تعریضات جلدی به جنبش کارگری دموکراتیک در بیش از صد کشور دنیا را بست می دهد. در حالیکه تعناد رئیسمهای دیکتاتور در دنیا ظاهر کمتر می شوند، گزارش جدیدی که قدرت روز افزون و غیر قابل کنترل به قدرتیهای بازار آزاد و گروههای اقتصادی کنترل کننده آنها می دهد، رو به رشد است. این شیوه برای دستیابی به زندگی بهتر مهاجرت فشار و تعرض به اتحادیه ها که اغلب با همکاری سیاستمداران محلی در برضیت شناخته شده بین المللی در معرض آنها قرار می گیرند. علاوه بر تعزیز بناهای ای و صنفی رشد نگران کننده ای از تعریضات و حملات به حقوق اتحادیه ها در سال ۹۴ هستیم. این تعریضات از طریق دخالت های خشونت بار و شدید دولتها در امور اتحادیه ها و نیز تصویب روز افزون قوانینی که آزادی عمل جنبش های کارگری را محدود می کند، صورت می گیرد.

گزارش حاضر فقط تعریضات به حق آزادی تشکیل و حق برخورداری از مناکرات دسته جمعی که در کنوانسیون ۹۸ تأثیر می گیرد، اینها را با امیال و خواستهای توان آنها را با امیال و خواستهای صاحبان ابزار تولید مبادله کرد، برخورد می شود. بعارت دیگر این بازگشت بسوی سرمایه داری خشن اواخر قرن

جنوبی که ضربات سنگینی بر جنبش کارگری وارد می کرد، بود. علت رکود آمار قتل ها در سال ۹۴ (۵۲۸ مورد) را می توان اوضاع بی ثبات در کلمبیا، جایی که خشونت بطور سیستماتیک گسترده است و نیز قربانی شدن اعضای اتحادیه ها در جنگ داخلی در الجزایر بر شمرد. همچنین نمونه هایی از قتل در کشورهای سودان، گویان، سوازیلند، مصر، نیجریه، اندونزی، بربنل، هائیتی، السالوادور، پرو، گواتمالا و کوسوا (صریستان) گزارش شده است. آمار کارگران و رهبران اتحادیه ها که در جریان حملات پلیس، ارتش و توسط قاتلان حرفة ای سازمان یافته از سوی کارفرمایها به اعتصابات و تظاهرات کارگران و نیز حمله به دفاتر اتحادیه ها و فعالیت های اتحادیه ای زخمی شده اند، افزایش یافته است. این رقم در سال ۱۹۹۴ به ۲ هزار مورد رسید. آمار دستگیریها و بازداشت ها در فاصله ۹۴-۹۶ کاهش کمی داشته است. این رقم همچنان بین ۵ تا ۴ هزار

کمک کند. این شجاعه شامل افرادی خواهد بود که بمنابع سیستم جمع آوری اطلاعات "کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی" متعکس کنند. افرادی که توجه و پیش از مسائل حقوقی داشته باشند، دارای تخصیلاتی در زمینه رسیدن به یک استراتژی سازمانی باشند و بتوانند در این جهت همکاری کنند. این افزایش همچنان بتوان بررسی مسائل و مشکلات را نیز داشته باشند.

تحلیل مقایسه ای بر اساس فرمهای که توسط دیپرخانه کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی تهیه شده است و دوره سه سال گشته را شامل می شود، تصویری از تعریضات که به اتحادیه ها و اعضای آنها صورت گرفته است را بیان می کند. اعضای اتحادیه ها و بعلت این نکته توجه کرد. اخراج کارگرانی که برای فعالیت های قانونی اتحادیه ای تلاش کرده اند، بطور مثال تعریضات و حملات جدی ای افزایش یافته است. این آمار بربنل در جمهایر شوروی سابق صورت می گیرد، در حالیکه اطلاعات بسیار کمی به حقوق صنفی داشتند. این آمار ثبت شده در زمینه تعریضات بسیار کمی به حقوق صنفی در این کشورها از ۵۳ در سال ۹۱ به بیش از ۸۷ مورد در سال ۹۲ و ۹۱ مورد در سال ۹۳ فرق دارد. برنامه آموزشی "کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی" قصد دارد با ایجاد یک شبکه بین المللی حاضر (سال ۹۴) رسیده است. جمع آوری گزارشات دقیق برای هرگونه از همکاران سازمانهای کشوری که به برچیله شدن رژیم آپارتاید در آفریقای

این سازمان فعالیت های خود را با به تحرک در آوردن همیستگی بین المللی از طریق کمیته های دفاع از حقوق انسانی و صنفی و نیز کمیته برای آزادی تجمع انجام می دهد.

### افزایش تعریضات

تعریض به حقوق اتحادیه ای در همه جا کارا را دیده می شود، جو خصیانه ای که علیه اتحادیه ها در دنیا پیش از پایان دوره جنگ سرد گسترش یافته، حملاتی که علیه حقوق فردی کارگران و حقوق مریبوط به جنبش کارگری بمنابع یک سازمان صورت گرفته است تاکنون بی سابقه بوده است. انکار و به حاشیه راندن پرسنی های قلبی مانند آزادی تجمع و داشتن حق مناکرات دسته جمعی که از جانب بسیاری از مقامات محلی و بین المللی بررسیت شناخته شده است، در بسیاری از کشورها در قاره های مختلف سیر صعودی دارد. کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی "نیز با گسترش و استفاده از مکانیسمهای آی. ال. او" در سالهای اخیر برخورد خود را به تهییدها و حملات جدی موجود توسعه داده است.

کارگری را بهم نزدیک میکند، خواستها را هماهنگ میکند، قدرت کارگران را بیشتر میکند و غیره. اما اروپای واحد الزاماً مجبور نیست تخت قوانین و قواعدی که در قرارداد ماستریخت تصویب شده شکل بگیرد. بلکه میتواند با حفظ دستاوردهای اجتماعی و حتی اضافه کردن به آن شکل بگیرد. و این اروپایی است که باید طبقه کارگر برایش بجنگد. معمولاً زورنالیستها و احزاب بورژوازی مخالفت با خواست اروپایی واحد را مخالفت فقط از زاویه راست افزایشی و عقب مانده جلوه میدهند. بنظر من اگر کلاً با اروپایی مخالفت بشود و این از زاویه منافع مملکتی باشد خیلی ارجاعی و راست افزایشی است. ولی تلاش برای اروپایی با پیشنهاد تین دستاوردهای اجتماعی طبقه کارگر، بنظر من میتواند یک موضوع کوئیستی باشد.

اما صرف نظر از همه این مسائل، به حال جنبش کارگری در فرانسه قطعاً تاثیر بین المللی و اروپایی دارد. اینکه این تاثیر در چه جهتی است بستگی دارد به اینکه این گرایشات تا چه حد بتوانند تنظیمات منسجم تری داشته باشند و آنرا تبدیل به نیروی مادی بکنند. این فرست خوبی است برای کارگران در همه جا که بتوانند از این زاویه وارد این دعوا بشوند.

به ماده ۶۸ اشاره کردید. ما صحته

اما به حال این جنبش و اعتضاب تا همینجا یک پیروزی برای طبقه کارگر در فرنسه خواهد بود. یک پیروزی با تاثیرات بین المللی. زیرا شان داد که زمانی که توده های وسیع مردم در خیابان باشند، اعتضاب کنند و مملکت را فلجه کنند و اقتصاد را بخوابانند، به سادگی طبقه حاکم تیتواند هر سیاست را به پیش ببرد. در واقع این دولت جدید راست تصور میکرد که بدون موافقه شدن با یک موج مخالفت عظیم میتواند این قوانین را به اجرا بگذارد. بنظر من بیشک عقب خواهد نشست و این پیروزی برای طبقه کارگر فرانسه است و اگر کماکان این جنبش ادامه پیدا کند احتمال سرنگونی دولت هم هست.

گفته میشود که این اعتضاب اهمیت زیادی برای آینده اتحادیه اروپا دارد. یعنی دولت بر سر داده راهی قرار گرفته است. محدوده این مخالفت عضویتش در اتحادیه اروپا و ناتوانیش در اجرای این طرح است. از این زاویه هم این اعتضاب از اهمیت زیادی قاعدها برخوردار است.

کلاً طبقات حاکم در هر کشور چندین سال است که می‌گویند شکل گرفتن اتحادیه اروپا به نفع ماست و برای این کار باید کمربندها را سفت کنیم، ریاست بکشیم و غیره. این در واقع روایت بورژوازی از اتحادیه اروپاست. بنظر من یک روایت دیگر هم میتواند باشد و طبقه کارگر میتواند آنرا تحمیل کند. و آن این است که اروپای واحد از نقطه نظر منافع کارگران

## کارگران پرچم سرخ بالا برند و سرود انترافاسیونال خوانند

خودش را نشان میدهد این است که آن رادیکالیسمی که از پانین تعبیل شده، رهبری سندیکا را تا حدی دنبال خودش میکشند. ولی رهبری سندیکا ماهیت و نقش تاریخی و بالفعلی دارد و آن جلوگیری از رادیکالیزم شدن بیش از حد جنبش کارگری است. همین الان علامتی هست که نشان میدهد مذاکرات پنهانی و نیمه علني بین سران اتحادیه ها و نمایندگان دولت در جریان است که به حال جلوی این اعتضاب را بگیرند. یعنی تجربه ماه مه ۶۸ هم در واقع همین بود. در آن زمان که مردم از پانین بیش از حد جلو آمدند، در بالا همه به نشست و برخاست و گفت و شنود و مذاکره نشستند که چطور جلوی این جنبش را بگیرند. معروفترین آنها دژ مارشه رهبر حزب کمونیست فرانسه و ژاک شیراک از احزاب راست بودند که توانستند تبانی کنند و جلوی جنبش را بگیرند. خطی فعلی هم در واقع همین است. یعنی اگر رهبری سندیکالیست بکناره این جنبش ادامه پیدا کند بطور قطع به سرنگونی دولت منجر خواهد شد، دولت عرض خواهد شد و طرح را هم پس خواهد گرفت. منتها بنظر می‌آید که مذاکرات آنها حول این مسئله دور میزند که دولت بخشی از طرح خود را پس بگیرد تا رهبران سندیکالیست بتوانند جنبش را بخوابانند.

رقم دقيق را نميدانم اما تمام نظر سنجي ها نشان میدهد که در همین حدود یعنی بيش از دو سوم مخالف طرح را يه هستند. چون اين طرح آشكارا در چهت تحریب دستاوردهای اجتماعی چند نسل از مبارزین فرانسه است. مسئله اين است که خواستهای پلاواسطه اين جنبش یعنی های اجتماعی و بازنیستگی است که دورگن مهم دستاوردهای اجتماعی این جامعه را تشکيل ميدهد. ولی آن مبارزه عميق ترى که در گير است در واقع مبارزه اى بين ليبراليزم اقتصادي و راديكاليسم کارگری است. یعنی تجربه کنون فرانسه

دشمنی رو به رشد علیه اتحادیه ها را نشان می‌دهد. مقامات بسیاری از کشورها در زمینه استثمار کردن کارگران با کارفرمایی محلی و بین المللی همکاری فعل دارند. برای جنبش کارگری واقف شدن بر وسعت تهیه‌های بین المللی که حیات سازمانهای کارگری را تهدید می‌کند، تعیین کنند است. و بین منظور باید استراتژی های وسیعی را جهت مبارزه با این وضع تعیین کنند.

کنفراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی "اهمیت زیادی برای دفاع از کارگران و اتحادیه های آنها در قبال تعارضات قائل است. صحبت از تعارضات برای متجریان آن خواهایند نیست و از صحبت درباره آن وحشت دارند. یکی از سراسر دنیا ارسال شده و در گزارش امسال آمده است، همخوانی دارد. سالانه گزارش حاضر و از این طرق جلب توجه جوامع بین المللی به تعارضات به حقوق معمولی اتحادیه ها و حقوق بشر است. در این مبارزه ارسال نامه به سازمانهای مربوطه جهت دعوت آنها به همبستگی و حمایت و تیز ارسال شکایت به کمیته دفاع از آزادی تشكل آی. ال. او." ارزشمند است. در یک کمیته ملأوم برای برقواری دمکراسی در دنیا، اشاره به ارتباط حقوق موجود شهروندان و حقوق اتحادیه ها همچنان دارای اهمیت است. در این رابطه تاکید بر اینکه جنبش کارگری مستقل و آزاد تنها در جوی حاکمی از احترام به حقوق بایه ای انسانها امکان رشد دارد، لازم می‌باشد.

اطلاعاتی که در بالا معرفی شد، بوضوح کامل خطرات واقعی و زیادی که فعالیت های اعضا اتحادیه ها و جنبش کارگری را بطور روزمره در دنیای امروز که جو خصمانه و دشمنانه محدودیت های قانونی) و ۹ درصد تاکنون بی سانقه بوده است. اسکار و به حاشیه راندن پرشیب های قدمی مانند آزادی تمعیع و داشتن حق مذاکرات دسته جمعی که از جانب بسیاری از مقامات محلی و بین المللی بوسیط شناخته شده است، در بسیاری از کشورها در قاره های مختلف سیر صعودی دارد.

تصوف دفاتر اتحادیه ها، توقف پرداخت اتوماتیک حق عضویت اتحادیه ای بهنگام پرداخت دستمزدهاست. بر اینها باید تهدید علیه رهبران، گروگانگیری، تهدید به مرگ را اضافه کرد. تنها در دوره سه ساله گذشته، گزارشات رسیده در این زمینه ها ۶۵ درصد افزایش داشته است. نوع دیگری از تعرض که بیش از ساله گذشته به ۶۵ تا ۷۵ هزار مورد رسیده است. افزایش این در زمینه فعالیت های صنفی است. بطوری که اغلب کارکنان دولتی و تقریباً همه کارگران در مناطق ویژه تولید صادرات کارگران از حقوق پایه ای خود مبنی بر سازماندهی خود و حق مذاکره محروم می‌شوند. گزارشات موجود در این زمینه از سال ۹۲ تاکنون چهار برابر شده است. ما رسیده است، می باشد. علاوه بر اینها دستگیریها، زخمی شدنها اتفاق می افتد که گزارش نمی شوند.

اوایل دسامبر ۱۹۹۴ "کنفراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی" گروهی در بروکسل تشکیل داد که در آن مؤثرین استراتژی های کمیته ای (قتل، خشونت، فردی فعالین اتحادیه ای) کمین علیه مجموعه شدن، اخراج) ۳۰ درصد مربوط به مشکلات جمعی (دخلت دولتها، محدودیت های قانونی) و ۹ درصد مربوط به مسائل پرسنلی صورت گرفت. این کنفراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی در فاصله اکتبر ۹۳ و سپتامبر ۹۴ بود، از سوی سازمانهای عضو، دیپرخانه ای بین المللی صفو و سازمانهای اعیانی از اینها عضو شدند. دخالت های مستقیم گروههای رسمی از جمله عبارتند از: انحلال اتحادیه ها، انکار اتحادیه ها و یا شرط داشتن اجازه برای تشکیل اتحادیه ها، فشارهای خشونت بار علیه اعتضابات و تظاهرات،

مجرد زندگی می کنند. مقررات شدید عبور و مرور برقرار است و هر کارگری که در این مناطق صنعتی به استخدام در می آید باید تعهد کند که عضو هیچ اتحادیه ای نبوده، نیست و نخواهد بود! اکثریت کارگران اینگونه مناطق زنان جوانی هستند که دستمزدهای نازلی دریافت می دارند.

— با وجود همه اینها ما سازمان می دهیم. شکل علنی و مخفی را تلفیق می کنیم و آرام اما مطمئن سازمان می دهیم.

بنظر می رسد که روش اصلی اینست که. گ. ام. یو" در کارخانه یا مرکز صنعتی معینی بسیار رویبروست. دولت با موانع بسیار رویبروست. اقدامات دیگری برای تضعیف اتحادیه ها در دستور دارد از جمله تلاش برای بستن قراردادهای فردی به جای قراردادهای دسته جمعی و غیره. اما دلیل دوم آن فقر کارگران است. آنها می خواهند نیروی کار هر چه ارزانتر زیست است تا محیط کار. بد مجدد اینکه سازمان اتحادیه ای به حد معینی رشد می کند آنگاه با یک اعتصاب و یا با تقاضای داشتن یک صندلی در میز مناکره بر سر قراردادهای متعدد است. حداقل دستمزد در فیلیپین خود و یا با تقاضای داشتن یک صندلی در میز مناکره بر سر قراردادهای دسته جمعی، اتحادیه خود را علنی می کند.

سوال بعدی من اینست که در شرایط فعلی نقش عمومی و سراسری گما. یو" چیست؟

— همانطور که اشاره کردم در شرایط فعلی یک تهاجم همه جانبی علیه کارگران در جریان است. تهاجمی علیه مزدها، شغل و حقوق کارگران. همراه با این ما در یک دوره مقاومت علیه این تهاجم قرار داریم. هنف اصلی ما در اوضاع کنونی اینست که این مقاومت را هر چه گستره تر سازمان دهیم. ما می خواهیم که سازمان های مختلف را با هم متعد کنیم و یک جبهه واحد علیه این تهاجم ایجاد کنیم که مشکل از کارگران و سایر مردم است. متحملین اصلی ما کارگران مزد بکر در روتا و دهقانان هستند. همچنین فقرای شهری که تعدادشان بسیار زیاد است.

## افق انتerna ناسیونالیستی

— آینده این مبارزه را چگونه می بینید؟

— ما نه فقط با نیروهای ارتقا علیه فیلیپین که با سیستم جهانی سرمایه داری رویرو هستیم که فیلیپین تنها بخشی از آن است. استراتژی ما این است که ارتباطات هر چه گستره تری با کارگران مشکل در سایر کشورها، در آسیا و غیره برقرار کنیم. در سر زاه بازگشت به فیلیپین به ژاپن خواهم رفت تا در کنفرانس وسیع آسیا علیه هژمونی نظامی و اقتصادی آمریکا و ژاپن شرکت کنم. همچنین می تلاش می کنیم رابطه با کارگران در سایر کشورها برقرار کنیم. دقیقاً به همین دلیل من اکنون در کانادا هستم. پیشرفت در زمینه اتحاد بین المللی کارگران بسیار کند و آرام است. اما

پای صحبت رهبر بزرگترین و رادیکالترين اتحادیه کارگری فیلیپین

## "گ. ام. یو" اتحادیه ای ناسیونالیست و ضد امپریالیست

محمد عبدالی

قانون کار جدید حلال و سیعی علیه تشكل یابی کارگران در جریان است. هم اکنون اقتام به اعتصاب تقریباً ممنوع است و سازماندهی در اتحادیه ها با موانع بسیار رویبروست. دولت اقدامات دیگری برای تضعیف اتحادیه ها در دستور دارد از جمله تلاش برای بستن قراردادهای فردی به جای قراردادهای دسته جمعی و غیره. اما دلیل دوم آن فقر کارگران است. آنها می خواهند نیروی کار هر چه ارزانتر شود. حداقل دستمزد در فیلیپین خود یک هشت حداقل دستمزد در ایالات متحده است. حداقل دستمزد در فیلیپین لازم برای زندگی است. این فقر شدید تقریباً فقط نیمی از حداقل مخارج تقریباً نیمی از حداقل مخارج لازم برای زندگی است. این فقر شدید متعدد است. حداقل دستمزد در فیلیپین می کند آنگاه با یک اعتصاب و یا با تقاضای داشتن یک صندلی در میز مناکره بر سر قراردادهای دسته جمعی، اتحادیه خود را علنی می کند.

سوال بعدی من اینست که در شرایط فعلی نقش عمومی و سراسری گما. یو"

کلا اتحادیه های کارگری بویشه نوع رادیکال آن زیر فشار شدید پلیس رژیم های فیلیپین بوده اند. جان رهبران و فعالیین اتحادیه همواره در خطر است. این چه در دوره مارکوس صادق بود و چه در دوره آکینو — که بقول کریسپین کمی لیبرالی بود و چه در شرایط حاضر. برای مثال رهبر قبلي گ. ام. یو" — که کریسپین بلتران بعد از او انتخاب شد — در اوخر دهه ۸۰ از او انتخاب شد — در اعنوان تشکل است و کارگران آنها را بعنوان تشکل خود جدی نمی گیرند و حتی از آنها بیزارند. سوال اینست که آیا این شاخصت مغز او خالی شده بود در نقطه متوجه پیدا کردن. هیچ کس مستولیت این جنایت را بر عهده نگرفت. اما همه معتقدند که کار دولت و سازمان سیا بود. خود کریسپین ۲.۵ سال را در زنان مارکوس و یکسال را در زنان آکینو گزارنده است. اقدامات ترویستی و زنان و شکنجه تها رهبران تراز اول را تهدید نمی کند بلکه در کمین خمده عمالین نشته است. برای مثال در منطقه صنعتی "باتان" در سال ۱۹۸۷ حدود ۹۵ درصد کارگران در اتحادیه ها مشکل بودند. در سال ۱۹۸۸ داشتیم روآوری به صفوں ما گسترش یافته است. احتمالاً طی ۶ ماه تا یک سال آتی ما از لحاظ تعداد اعضاء از

اتحادیه های مرکز و راست به سمت بله. در مقطعی بعلت اشتباهاتی که در زمینه سیاست اتحادیه ای داشتیم، با کاهش اعضا رویرو شدیم. اما در شرایط فعلی بسیاری از اعضای اتحادیه های مرکز و راست به سمت خود جدی نمی گیرند و حتی از آنها بیزارند. سوال اینست که آیا این شاخصت به وضع اتحادیه های راست در فیلیپین دارد؟ جواب او خیلی صریح نیست. همینقدر می فهم که وضع در فیلیپین کمی متفاوت است:

— بله. در مقطعی بعلت اشتباهاتی

که در زمینه سیاست اتحادیه ای

داده داشتیم، با کاهش اعضا رویرو شدیم.

اما در شرایط فعلی بسیاری از اعضای

اتحادیه های مرکز و راست به سمت

ما می آیند. بویشه بعد از تظاهرات

سراسری که در ماه آگوست گذشت

دانشیم روآوری به صفوں ما گسترش

یافته است. احتمالاً طی ۶ ماه تا یک

سال آتی ما از لحاظ تعداد اعضاء از

آنها بسیار فاصله خواهیم گرفت.

## مبادره در شرایط اختناق

دلیل اینکه فقط ۳ میلیون کارگر از در تکمیل این سیاست سنتی پلیس، دولت های مختلف فیلیپین سیاست با تعاون یا عدم تعاون گذشت کارگران به تشكل های موجود توضیح داد. پیش از آن باید عوامل دیگری را مد نظر داشت. کریسپین می گوید:

— دلیل اول درجه نسبتاً پائین تشکل ویشه است که بیشتر شبیه یک اردوگاه نظامی است تا مراکز تولیدی. کارگران در این مناطق صنعتی ویشه با

استثمار گرانه دولت است. بویشه با

نثارند. آنها اتحادیه های منجد و

دینار با کریسپین بلتران از دو جنبه برایم حائز اهمیت بود. اول اینکه او رهبر "جنش اول مه" است که نام آنرا بارها در سالهای گذشته شنیده بودم و همواره علاقمند بودم اطلاعات زندگ و دست اوی از این اتحادیه مبارز بنت آورم. دوم اینکه برایم جالب بود که با یک رهبر اتحادیه از یک کشور جهان سوم دینار کنم. در ایران ما فاقد یک سنت اتحادیه ای ریشه دار و سراسری بوده ایم و لذا رهبران و فعالیین اتحادیه ای که در تجزیه شخصی دیده و شناخته ام همه از کشورهای صنعتی و پیشرفته بوده اند.

پیش از قرار مصاحبه، این شانس را داشتم که در دو — سه جلسه عمومی و خصوصی شاهد سخنرانی کریسپین بلتران" و یا گفتگوی او با رهبران و فعالیین اتحادیه ای کانادا باشند. در این جلسات مسائل اجتماعی و اطلاعات جالب توجه شد و بنابراین من لیست بالا بلندی از سوالات و مسائلی که می تواند برای خواننده کارگر امروز مهم باشد تهیه کرده بودم. اما در محل ملاقات متوجه شدم که مهمان ناخواننده ای از آمریکا برای کریسپین بلتران" آمدکه برای او عزیز و گرامی است. دریافت علیرغم قرار قبلی مان که فرصت مصاحبه دو ساعت تنظیم شده بود، باید سخن کوتاه کنم و برخی از سوالات را درز بگیرم.

**جناح چپ جنبش اتحادیه ای**

کریسپین بلتران، اتحادیه ای "جنش اول مه" را یک اتحادیه ای از اخصار گ. ام. یو" نامیده می شود در اول ماه مه ۱۹۸۰ بینیان نهاده شد. این اتحادیه خود را ادامه دهنده سنت رادیکال طبقه کارگر فیلیپین می داند: از اولین اتحادیه اقتصادی و سیاسی کارگران بعنوان یک کل مبارزه می کند که در سالها تا ۱۸۹۲ و ۱۸۹۶ میلادی تاسیس شدند تا گنگه سازمانهای کارگری فیلیپین که در سال ۱۹۵۲ در هم شکسته شد تا تلاشیان بعدی در دهه های ۶۰ و ۷۰.

کریسپین میگوید: ما چه توسط دوستانمان و چه دشمنان همواره بعنوان جناح چپ جنبش اتحادیه ای فیلیپین شناخته شده ایم. چند نفر عضو اتحادیه شما هستند؟ — حلو ۷۵ هزار عضو داریم که در ۱۱ فدراسیون در سطح ملی مشغول هستند اند. همچنین سازمانهای کارگری دیگر وجود دارد که متعدد می باشد. با این کارگران با اتحادیه های راست و سیاسی نیز رهبری و هدایت می کند. کم ام. یو" حتی بسط و تعمیق "فرهنگ طبقه کارگر" را در دستور خود دارد.

تبازی فرنگی" ک. ام. یو" به کارگران داشتیم روآوری به صفوں ما گسترش

یافته است. احتمالاً طی ۶ ماه تا یک

سال آتی ما از لحاظ تعداد اعضاء از

آنها بسیار فاصله خواهیم گرفت.

— تقریباً پنجاه، پنجاه، بنابراین نیروی

ما به تنهایی از راست ها و یا مرکز به تنهایی بیشتر است. ما بزرگترین

اتحادیه کارگری فیلیپین هستیم.

— بله درست است. اما چطور است که راست ها می توانند چنین نیروی

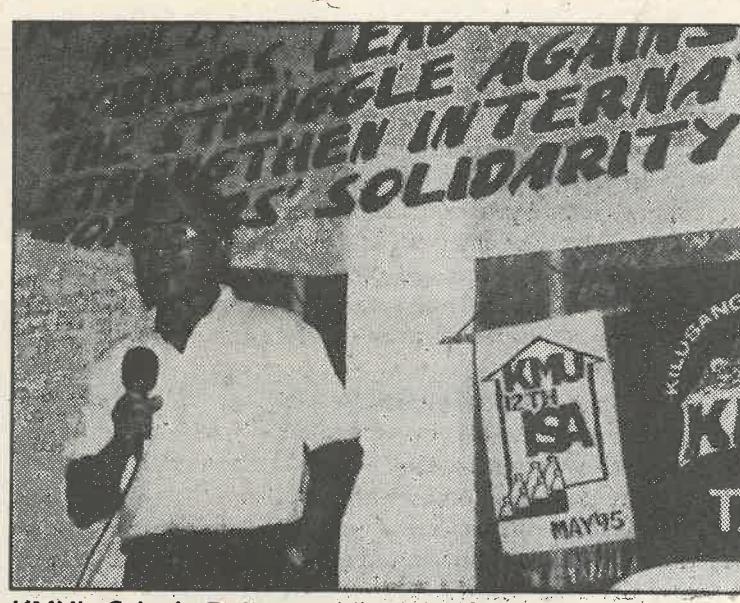
کل نیروی کار حلو ۲۷ میلیون

نفر است که حلو ۳ میلیون نفر آن

مشغول است. ما حلو دو پنج

نیروی کار مشغول را با خود داریم.

— بقیه کارگران سازمان یافته در کجا مشغول اند؟



KMU's Crispin Beltran addresses ISA delegates.

# کارگران

کرده اند که به آن نام "مشور اجتماعی" داده اند و بنظر من حائز اهمیت استراتژیک است. در این مشور آنها از بازیابی استقلال کارگران و بازیابی دمکراسی صحبت می‌کنند. این دمکراسی البته با آن دمکراسی لیبرال فرق دارد و دمکراسی از پانین است. آنها تحت حاکمیت شرکتهای بزرگ سرمایه داری هستند و باید با یک آلتراپلیتیک به جنگ آن بروند. در کانادا رهبران اتحادیه‌های کارگران از آغاز ناگوار "فتا" — قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی — و زیر سوال رفتن استقلال کانادا در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری توسط آمریکا صحبت می‌کنند. در کشورهای دیگر، کانادا را چیز بیشتری جز یک متحد درجه دو ایالات متحده نمی‌دانند. هیچ ملتی از قدرت مخرب امپریالیسم در امان نیست.

— پایه اقتصادی این سیستم آلتراپلیتی از نظر شما چیست؟ آیا با وجود استیلای کاپیتالیسم شما می‌توانید آنچه را که دمکراسی از پانین می‌نماییش داشته باشد و حفظ کنید؟ — مایلم اینجا اضافه کنم که بنظر من آنها در واقع در پی یک آلتراپلیتی سوسیالیستی هستند. آنها (رهبران کارگری در کانادا) مشغول بازیبینی تاریخ اتحادیه‌های کارگری هستند. در سالهای ۱۹۳۰ که اتحادیه‌ها تحت نفوذ کمونیستها و سوسیالیستها بودند، قدرتی داشتند و همین روش را مجبور به یکسری اصلاحات وسیع اجتماعی کرد. امکاناتی که کارگران هنوز هم کم و بیش دارند و متأسفانه دولت محافظه کار در پی قطع این دستاوردهاست. بهله، همه ما با مشکلات عظیم اقتصادی دست و پیونج نم می‌کنیم و آلتراپلیتی دیگری نیست مگر آنکه شرایط اجتماعی و اقتصادی را دمکراتیز کنیم.

— ولی سوال من هنوز باقی است. آیا شما فکر می‌کنید که می‌توان مناسبات اقتصادی سرمایه داری را حفظ کرد و همچنان یک دمکراسی اقتصادی برای کارگران که شما از آن صحبت می‌کنید داشت؟ — سرمایه داری باید اصلاح شود: و یا اینکه سرنگون می‌شود. کاپیتالیسم باید در جهت نیازهای اجتماعی مردم رفم باید و گرفته از صحنۀ تاریخ منحوم خواهد شد و جایش را باید به یک سیستم اجتماعی دیگر بدهد.

— اینجا سوال دو تا می‌شود. منظور شما از یک کاپیتالیسم اصلاح شده چیست و بعد منظورتان از سیستم اجتماعی دیگر که از آن صحبت می‌کنید، چیست؟ — می‌توان گفت که در تحلیل نهایی کارگران در هر کشور و در تمام جهان می‌توانند زندگی خیلی بهتر و پیشرفتنه تر و دمکراتیک تری داشته باشند. بدون آنکه نیازی به سرمایه داری داشته باشند. اما سرمایه داری

خواهد بود که چنین مردمی را فربی دهد. بنابراین ناسیونالیسم باید با دمکراسی همراه باشد و این دمکراسی به معنی دمکراسی در زمینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

— اجازه بدهید کمی بیشتر درباره دمکراسی صحبت کنیم. کانادا — کشوری که شما اکنون از آن دیutar می‌کنید، یکی از دمکراتیک‌ترین کشورهای جهان قلمداد می‌شود. اما من شاهد بوده ام که چگونه فعالیت اتحادیه‌های این کشور در صحبت هایشان با شما از اوضاع بد اقتصادی و سیاسی کارگران می‌ناند و می‌گویند آنچه که اکنون در کشورها ازشان بکنند چونکه خیلی از کشورها ازشان سلب اختیار و سلب قدرت شده است.

مساله صاف ساده اینست که سرمایه پا گذارد شده است. ما هویت و شخصیت ملی خود را از دست داده ایم. تقريباً تمامی منابع طبیعی فیلیپین خارج از دست فیلیپینی هاست. بنابراین باز پس گیری ثروت ملی و تأمیت کشور خود یک هدف است. صنایع و با بعضی مخالفم. بله، سرمایه یک نیروی بین‌المللی است و مردمی نمی‌شناسد. اما وقتی از سرمایه استفاده می‌شود تا صاحب ملتهاي دیگر شود و آنها را تحت ست قرار دهد، این یک جنبه منفی استفاده از سرمایه است. آنها می‌توانند این کار را بکنند چونکه خیلی از کشورها ازشان

بله، این خیلی مهم است. چونکه ما می‌توانیم در رابطه با کشورهای تاکید بر انترناسیونالیسم، یا صحیح تر انترناسیونالیسم ضد امپریالیستی و مشخصاً ضد آمریکایی یکی از ویژگیهای که ام. یو" است. این سازمان دارای یک بخش بین‌المللی بسیار فعال است. در کنفرانس بین‌المللی که بخش بین‌المللی گ. ام. یو" در ماه مه ۱۹۹۵ سازمان داد، ۴۵ شرکت کننده از ۱۶ کشور، هندوستان، ویتنام، ژاپن، نیوزیلند، استرالیا، انگلستان، کانادا، ایالات متحده آمریکا، آلمان، یونان، فرانسه، بلژیک، لیتوانی، هنگ کنگ، پیان، تایوان، و فیلیپین در آن حضور داشتند. شرکت کنندگان بعد از حضور در راهپیمایی عظیم ۳۰ هزار نفری اول مه که توسط گ. ام. یو" در مانیل سازمان داده شده بود طی جلسات متعددی نقشه عمل "اتحاد ضد امپریالیستی" خود را تلقیق و تعمیق کردند:

یک پایه واقعی و منادی این فعالیت بین‌المللی گسترشده، وجود میلیونها کارگر مهاجر فیلیپینی در کشورهای مختلف است. فیلیپین یکی از بزرگترین صادر کنندگان کارگر به سراسر جهان است. زمینه دیگر این فعالیت بین‌المللی بنظر من رسید ارتباطات گستره با اتحادیه‌ها و جزایرانی است که به احزاب کمونیست طرفدار شوروی سابق واپسگردی دارند. این انترناسیونالیسم، در دنیا بیکارگران به ضرورت روزمره تبلیل شده است، البته ذیقت است و منافع ملیوس و بلاواسطه ای هم برای کارگران در بر داشته است. برای مثال در تیمه دهه هشتاد احتساب کارگران فورد در فیلیپین با حمایت جدی و موثر کارگران فورد در استرالیا همراه شد.

این انترناسیونالیسم، در دنیا بیکارگان به ضرورت روزمره تبلیل شده است، البته ذیقت است و منافع ملیوس و بلاواسطه ای هم برای کارگران در دست داشت. این طبقه ای از کارگران که فیلیپین از چپ تا راست شعار استقلال را می‌دادند و منظورشان از شعار استقلال کمیابش این بود که ملکت و صنعت و سرمایه باید توسط ایرانیها اداره شود و نه توسط آمریکا یا دولت دست نشانده آن. شعار استقلال همچنین یکی از شعارهای اصلی جریان اسلامی بود که قدرت را با سرکوب انتقام بقضه کرد. آنچه که اتفاق افتاد این بود که دولت اسلامی تقدیراً تعامل رشته های اقتصادی و سیاسی در دست امپریالیسم است و این پایه قدرت امپریالیسم است. بنابراین سیاست های ناسیونالیستی باید با سیاست های دمکراتیک تکمیل و همراه شود. اگر دمکراسی وجود داشته باشد مردم فقیر امکان خواهد داشت که بر عدالت در میان ملتی که در کانادا بوده ام، شاهد بوده ام که رهبران اتحادیه از یک آلتراپلیتیک کسانی که قدرت را در دست دارند و برای امپریالیسم خیلی دشوار

خواهد شد. خوب، این یکی از داشته باشیم. این از نظر سطح تکامل ملی که فیلیپین باید به آن دست یابد با این چه باید کرد؟ تنها یک راه وجود دارد و آن آلتراپلیتی دیگری است. سوال اینست که آلتراپلیتی دمکراسی از پانین، در برایر این وضع در فیلیپین و سایر کشورهاست.

## آلتراپلیتیک

— به دمکراسی که در اینجا (کانادا) می‌ینیم ما در فیلیپین دمکراسی لیبرالی می‌گوییم. اگر این دمکراسی لیبرالی برای تکامل و انکشاف اجتماعی کافی نباشد، به این معنی که از لحاظ اقتصادی کشور در دست یک دولت دستور بگیر آنها باشد و فشار و وزرگویی بر کارگران روز به روز افزایش باید، در چنین شرایطی کارگران را دیگر خواهند شد. این جیزی است که هم اکنون در ایالات آلتراپلیتی کانادا (جایی که حزب محافظه کار به قدرت رسیده و سیاستهای شدیداً دست راستی نتوکنسرواتیزم را به اجرا گذاشده است) جریان دارد. کارگران را دیگر خواهند شد چرا که گسترش بیکاری و قطع امکانات و حمایت های اجتماعی بر آنها تاثیر خواهد گذاشت. در ملتی که در کانادا بوده ام، شاهد بوده ام که رهبران اتحادیه از یک آلتراپلیتیک کسانی که قدرت را در دست دارند و برای امپریالیسم خیلی دشوار

که از جانب شرکتهای چند ملیتی زیر پا گذارد شده است. ما هویت و شخصیت ملی خود را از دست داده ایم. تقريباً تمامی منابع طبیعی فیلیپین در سطح جهان توجه نشان می‌دهند. بنابراین خیلی بعيد نخواهد بود که کارگران کشورهای مختلف علیه دشمن مشترکشان متحده شوند و یک جبهه واحد تشکیل دهند. دشمنی که ما آنرا در فیلیپین امپریالیسم می‌نامیم.

— اگر مملکت و سرمایه در دست خود فیلیپینی ها باشد، آنگاه تفاوت جدی در وضع کارگران ایجاد خواهد شد؟

— بله، این خیلی مهم است. چونکه



اما از سوی دیگر بنظر می‌رسد که انترناسیونالیسم ضد امپریالیستی ک. ام. یو" روی دیگر سکه ناسیونالیسم غلیظ و ضد امپریالیستی آن است. ک. ام. یو" خود را یک اتحادیه ناسیونالیست مبارز می‌نامد. وقتی از کریسپین بلتران می‌پرسیم که پرسیم که آن انترناسیونالیسم را با این ناسیونالیسم جمع می‌زنید، پاسخ می‌دهد: — در زیان سیاسی ما ناسیونالیسم به معنی بازیابی استقلال فیلیپین است

كاظم امداد

دیکتاتوری فیلیپین همیشه مرا به عنوان عضوی از جنبش کمونیستی شناخته اند. اما رابطه رسمی و علنی بین گ. ام. یو و حزب کمونیست نیست. هر چند این واقعیت دارد که بسیاری از اعضای قلبی گ. ام. یو که امیلشان را از مبارزه قانونی و اتحادیه ای از دست می دهند، از گ. ام. یو استعفا می دهند و به ارش نوین خلق می پیونند.

در اینجا احساس می کنم که کریسپین  
بلتران بی قرار است و می خواهد نزد  
میهمانانش برود. به او می گویم که  
من باقی سوالات را درز می گیرم،  
هر چند بعضی از آنها از لحاظ عملی  
و فنی خیلی مهم هستند. مثلاً اینکه  
نحوه سازماندهی شما در شرایط اختناق  
و دیگاتوری چگونه است. او ضمن  
اینکه مرا به اتاق دیگر نزد میهمانانش  
راهنمایی می کند می گوید که "ما  
خیلی حرف در این زمینه داریم". با  
میمانان او آشنا می شوم و در می  
یابم که آنها از رهبران حزب کمونیست  
آمریکا هستند. دولت آمریکا به  
جبهه دمکراتیک ملی و حزب  
کمونیست فیلیپین خیلی به آنچه که  
ما می خواهیم و جایی که ما ایستاده  
ایم نزدیک هستند. گرچه در شرایط  
حاضر ما بیشتر یک مبارزه قانونی  
را پیش می بریم و آنها یک مقابله  
انقلابی با اوضاع فعلی را دنبال می  
کنند. اما چه در زمینه مبارزه سیاسی  
و چه در زمینه مبارزه اتحادیه ای و  
اقتصادی ما تقریباً خط یکسانی را  
دنبال می کنیم.

وضع حزب کمونیست فیلیپین اکنون  
چگونه است؟ نفوذ آنها تا چه حد  
است؟

آنها روز بروز محبوبیت بیشتری بدست می آورند. بعد از یک دوره دیپرسیون و بحث های داغ داخلی در مورد خط سیاسی و اجتماعی حزب، که تحت تاثیر شکست شوروی بود، اکنون آنها وضع بهتری دارند و حمایت بیش از پیش بدست می آورند. حتی اخیرا یکی از ئرالهای مهم دولت به "ارتش نوین خلق" - وابسته به حزب کمونیست - پیوست که خود این حاکی از ابعاد گسترش نفوذ این حزب است.

آیا رابطه شما با حزب کمونیست فیلیپین یک رابطه رسمی و علنی است و یا اینکه فقط برای همه روشن است که شما با همیگر تزویج هستید؟

نیروهای ازتیاعی و دولت های

کارگان بحث سرخ یالا برداشت و سرود افتخارسیونال خوانند

۸ صفحه از بقیه

هایی از اعتراض زا دیدیم که کارگران سرود انتربالیونال می خوانند و حکم‌های کمونیستی اصلی را بروز می‌دانند. سنوال اینست که دامنه این تا چه حد است، چقدر میتواند یادآور مه ۶۸ واقعاً باشد؟

شما هم قطعی به مه ۶۸ مقداری صوری و سطحی است. البته این صحیح است که این جنبش از جنبه هایی حتی از مه ۶۸ هم خیلی وسیعتر است. چرا که حتی به شهادت روزنامه ها (از چپ تا راست) در خیلی از شهرها رکوردهای تاریخی اعتراض و اعتراض شکسته شده است.

بعنوان نمونه شهر "بوردو" خصلت نماست. در "بوردو"، شهری که شهردارش همین نخست وزیر آن رژیه باشد ۴۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند و این بیسابقه بود و تمام رکوردها و منجمله مه ۶۸ را شکست. در شهرهای دیگر هم همین جور شد. متنهای مقایسه از ظاهر قضیه فراتر نمی‌رود. این دو حرکت کاملاً متفاوتند. آن زمان دوره چنگ سرد بود. کمونیسم قدرتمند بود. داشجوبان نقش فعالتری داشتند. اما در جنبش کنونی اولاً کارگران

یو" مربوط است چرا که این جریان تاکید دارد که یک "اتحادیه مستقل" است. اضافه می کنم که در جنبش کارگری ایران بعضی ها می گویند "تشکل مستقل" و منظور آنها اینست که منکر مطلوبیت و ضرورت رابطه و تعلقات سیاسی مشترک بین تشکل های توده ای کارگری و احزاب سیاسی هستند. آنها یک جور استقلال از احزاب سیاسی، اما مدنظر دارند. سوال

احراب سیاسی را مدد نظر دارد. سوون اینستت که گ. ام. یو از اتحادیه مستقل چه تعییری دارد. پاسخ کریسپین یکی از صریح ترین جوابهایی است که در طول مصاحبه دریافت می‌دارم: «استقلال از دو جنبه برای ما مطرح است. اول آنکه ما نمی‌خواهیم با مرکز جهانی رهبری اتحادیه‌های کارگری تداعی شویم. مرکز بین‌المللی اتحادیه‌ها در شرایط حاضر کمایش رهبری و سیاستهای ارتقایی دارند که ما از عوایق بودن با آنها اجتناب می‌کنیم. آنها به مرکز قدرت سرمایه‌جهانی وابسته اند و قادر نیستند از منافع کارگری دفاع کنند. بسیار دشوار

منافع خارجی دفع نمود. پس از این مدت می شود به آنها اعتماد کرد. بنابراین ما در چهارچوبیه مبارزه اتحادیه ای نمی توانیم با مراکز رهبری جهانی تداعی شویم و به این معنی ما مستقل هستیم.

دوم آنکه در چهارچوبیه مبارزه سیاسی ما نمی خواهیم با احزاب سیاسی بورژوازی تداعی شویم. به این معنی

تصور فقر و نابرابری در کشورهای صنعتی بیویژه در آمریکا و انگلیس، مردم را در مورد صحت نظرات مارکیس به تردید و خواهد داشت. ناآرامیهای اجتماعی دوباره مایه ترس اینها شده است. تئوریهای مختلفی برای تعديل بازار از جانب برخی از مخالف بورژوازی مطرح میشود که البته خود رسماً اعلام میکنند که این طرحها اینا به شدت و غلظت پس از جنگ دوم نمی توانند باشد و تنفواحد بود.

کمونیسم کارگری تنها افق شفاف طبقاتی پیشگویی کارگران است. امروز تمام شرایط برای تبدیل کمونیسم کارگری به زنده ترین و با قدرت ترین جریان اعتراضی فراهم است. هیچگاه طبقه کارگر به این شدت به کمونیسم احتیاج نیستند. رادیکالیسم کارگری تنها رادیکالیسم ممکن و تنها افق انسانی و اجتماعی در مقابل کارگران است. دیگر بلوکها و اردوگاههای سوسیالیسم بودروایی مانعی در این راه نیستند. رشد سرمایه داری

از میدان بدر شدن کلیه گرایشاتی کارگر را از دست بردن به قدرت سیاسی و انقلاب علیه کل وضع موجود منع میکردند، همه و همه پتانسیل عظیم کمونیسم کارگری بعنوان تنها افق رادیکال کارگری در مقابل جنبش کارگری را تاکید میکنند. کمونیسم کارگری و طبقه کارگر میتواند و باید آلتراستایو خود را در مقابل جهان امر و قرار دهد.<sup>۴</sup>

گ. ام. یو" اتحادیه ای ناسیونالیست و ضد امپریالیست

کارگران نیاز دارد و نمی تواند بدون کارگران به حیات خود ادامه دهد. بنابراین سرمایه داری برای ادامه بقای خود باید اصلاح شود و به نیازهای کارگران پاسخ بگوید. همین حداقل تامین اجتماعی موجود هم که در برخی کشورها می بینیم مطابق میل و رضایت سرمایه داری بلست نیامده است بلکه از پانین و با فشار به آن تحمیل شده است. حالا هم مساله این است که یا سرمایه داری به این نیازها پاسخ می گوید یا آنکه در جریان مبارزه برای گرفتن آنها خواسته از بین می رود.

— تاریخ می آموزد که وقتی سرمایه داری دچار بحران و رکود است رفرم نمی کند و اصلاح نمی شود. وقتی بحران و رکود اقتصادی هست — نظیر آنچه که ما اکنون با آن رویرو هستیم، سرمایه داری به راست افزایی تعامل کنند. و با یک انقلاب در صحنه در کشورها می توان نه فقط جلوی تهیید بالقوه جنگ جهانی را گرفت بلکه از آنطرف شرایط زندگی همه را بهتر و دمکراتیک کرد.

تحادیه مستقل

ناسیونالیسم افراطی حاکم می شود. آنها وقتی رفوم می کنند که از لحاظ اقتصادی در دوره رونق و شکوفایی هستند. آنها مجبورند این کار را بکنند چرا که در دوره رونق تفرقه و رقابت در صفوں کارگران کاهش می یابد و آنها امکان می یابند خواسته های بیشتری طلب کنند و سرمایه را

طبقه کارگر، احزاب  
سیاسی و افقهای  
اجتماعی

با تغییر اوضاع جهان، سقوط بلوک  
شرق، فریاد کمونیسم و سوسیالیسم  
بورژوازی و اعلام مزگ کمونیسم همزمان  
با پاشیده شدن سوسیالیسم بورژوازی،  
دیگر بورژوازی نیازی به دولت رفاه و  
دخلالت دولت در اقتصاد و بطور کلی  
آنچه که پس از پایان جنگ دوم در  
پیش گرفته بود ندارد. از این رو با  
حل بحران سرمایه داری و یک دوران  
رونق سرمایه در آینده، رفرمیسم،  
اقتصادهای کیزی، دولت رفاه و غیره  
زمینه مادی و اجتماعی جلدی نخواهند  
داشت چرا که خطر بالغفل کمونیسم  
آنها را تهدید نمیکند.

## کمونیسم کارگری تنها افق ممکن

افقی که از زاویه بورژوازی برای اتحادیه ها متصور است فوقاً تشریح شد. آلترناتیو ما در مقابل تریلیونیونیسم و رفرمیسم، شورا و جنبش سورایی نیست بلکه سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی است. شورا هم میتواند فرمسته باشد شها بخدی، خود

## میزگرد مسائل گرهی در جنبش کارگری

به اوضاع بین‌المللی سرمایه، ما همچنین بطور افزونتری با اتحادیه‌های کارگری در سایر کشورها در تماس هستیم. ما تلاش بسیاری کرده‌ایم که ماهیت و موقعیت نیروهای مقابله خود را بهتر درک کنیم. ما در تلاشیم که به تعداد فعالین سازمانه کارگری بیافزاریم. اینها قدمهای اولیه ای برای تغییر اوضاع به نفع ما هستند. اما باید این نکته را تذکر بدهم که اعتبار اجتماعی جنبش ما بواسطه کم شدن اعتبار اجتماعی احزاب سوسیال دمکرات لطفه بسیار دیده است و این موقعیت جنبش ما را تضعیف میکند. مردم متوجه شده، به هر نهادی روی می‌آورند که به آنها کمک کنند و راهی نشانشان دهند. ولی ما نتیجه این سردرگمیها را دیده ایم و میدانیم. این توهمنات نیز یک شبی بر طرف نخواهد شد. تلاش بسیاری میخواهد که به یک نیروی جدی دوباره تبدیل شد. اولین قسم این است که جنبش اتحادیه‌ای میباشد روی پای خودش بایستد. این جنبش باید متناسب یک جنبش مستقل و متکی بخود شناخته شود و رابطه با احزاب نایاب رابطه‌ای یکطرفه تلقی شود. جنبش کارگری باید با نیرو و تحرکات خودش حرکت کند. این یک مباحثه جدی در درون ماست. این مباحثه ای جیانی در جنبش و تفاهم با کارگران ندارند. این شرایط سختی را برای جشن اتحادیه‌ای بهمراه آورده است. شرایط اقتصادی منذکه قرارداد جمعی با کارفرما را بسیار مشکل کرده است. بسیاری از اتحادیه‌ها بخش زیادی از اعضای خود را از دست داده‌اند. بسیاری از اعضای اتحادیه‌ها بیکار شده‌اند. این شرایط فرصلهای بسیاری را در مقابل کارگران قرار می‌دهد. تغییر ترکیب نیروی کار و افزایش بخش کارگر خدماتی، ضرورت سازماندهی کارگر خدماتی را نیز بسیار افزایش داده است. نیشود فقط به کارگر صنعتی متکی بوده است. اما تغییرات سرمایه داری نیز تا حدودی نیروی کار مازاد بر نیاز نیز بوجود آورده است. کارفرمایان فشار زیادی برای حفظ و نگهداری نیروی کار خود نمی‌پسندند، چرا که میزان قابل ملاحظه ای نیروی ماهر بیکار در جامعه وجود دارد. امروز کارفرماها بسادگی میتوانند در زمان استخدام کارگر را وادار به قبول شرایط حداقل تعاییند، چرا که آنطرف ماجرا بیکاری است. تاثیر این نکته را هم باید تذکر دهن. این مدافعين بیکار شده اند. این اوضاع در این امکان محدود است. اتحادیه‌ها میباشد کارگران در این اماکن حضور است. ما باید در این کارگران میتواند طرف مقابل میتواند میلیونها دلار خرج کند و تاثیرات تبلیغات ما را کم رنگ کند. ما باید تمام تلاشمان را در این زمینه بخراج دهیم. چاره دیگری نداریم. تنها امکان ما حضور ما در محیط های کار است. ما باید در این اماکن حضور گسترشده تری پیدا کنیم. ما باید با کثرت بیشتری از فعالیت کارگری در منحیط های کار حاضر شویم. جنبش کارگری باید مانند یک تن واحد عمل کند. ما باید جواب خودمان را به مسائل کارگری آماده کنیم. مثل چگونه میشود مشاغل جدید ایجاد کرد؟ بدون پاسخگویی به این مسائل نمیتوان نیروی جدیای شد. باید آلتراستراتیک داشت. ما باید مردم را مقاعده کنیم که آلتراستراتیک واقعی در قبال راه حل‌های دست راستی در جامعه وجود دارد. ما باید به مردم این اعتماد را بهمی که این راه حلها واقعی‌اند. ما باید قدرت رهبری و هدایت گروه‌های متفاوت اجتماعی را دوباره کسب کنیم. ما نمیتوانیم بدون یک مبارزه جدی تغییری اساسی در این اوضاع بوجود آوریم. ما باید جنبشی بسازیم که قدرت اقتصادی و سیاسی‌اش قابل انکار و اغضان نباشد. مشکرم.

میلده با واقعیت فاصله زیادی دارد. بعلاوه میخواستم نشان دهم که در دنیای سرمایه، سرمایه‌های بزرگ شرایط فعالیت اقتصادی واحدی کوچکتر را دیگه میکنند و اینکه دولتها نیز تلاش بسیاری برای جلب سرمایه این بنگاهها به کشور خود میکنند. و بالاخره اینکه، این خصوصی سرمایه داری است که به نابرابری در درآمد و موقعیت مردم میانجامد.

در عرصه سیاسی، کارفرما و سیاستهای راست موجب تأثیری برنامه‌های رفاهی و اجتماعی، حقوق اتحادیه‌ای و استاندارد زندگی کارگر شده است. امروزه کارفرما با قدرت زیادی با هرگونه بهبودی در زندگی کارگر مقابله میکنند و این مقابله با از هم پاشیدگی بلوك کمونیستی تشییل شده است. از آن‌زمان به بعد دیگر احساس میکنند که به کسی مجبور نیستند جواب‌گو باشند که دارای سیستم بهتری هستند. مدعاً میشوند که بازار آزاد خود ترتیب اوضاع را خواهد داد. تیجتاً است که امروزه در تمام دنیا کارفرماها بکار میبرند. دولتها نیز هم اکنون در این سو حرکت میکنند. امروز کارفرمایان را برای سازماندهی بی‌حقوقی کارگر بسیار باز تر کرده است. در کنار این مجموعه، کار نیمه وقت و بدون مزایای اجتماعی رشد زیادی کرده است. در این شکل از کارکارفرما تعهد ناچیزی به کارگر دارد. اکثر این مشاغل دارای اجتماعی نیستند. این تغییر در شکل کار نیز عموماً با گسترش مشاغل خدماتی متضاد بوده است. اما تغییرات سرمایه داری نیز تا حدودی نیروی کار مازاد بر نیاز نیز بوجود آورده است. کارفرمایان فشار زیادی برای حفظ و نگهداری نیروی کار خود نمی‌پسندند، چرا که میزان قابل ملاحظه ای نیروی ماهر بیکار در جامعه وجود دارد. امروز کارفرماها بسادگی میتوانند در زمان استخدام کارگر را وادار به قبول شرایط حداقل تعاییند، چرا که آنطرف ماجرا بیکاری است. تاثیر این نکته را هم باید تذکر دهن. این مدافعين بیکار شده اند. این اوضاع در این امکان محدود است. اتحادیه‌ها میباشد کارگران در این اماکن حضور است. ما باید در این اماکن حضور گسترشده تری پیدا کنیم. ما باید با کثرت بیشتری از فعالیت کارگری در منحیط های کار حاضر شویم. جنبش کارگری باید مانند یک تن واحد عمل کند. ما باید جواب خودمان را به مسائل کارگری آماده کنیم. مثل چگونه میشود مشاغل جدید ایجاد کرد؟ بدون پاسخگویی به این مسائل نمیتوان نیروی جدیای شد. باید آلتراستراتیک داشت. ما باید مردم را مقاعده کنیم که آلتراستراتیک واقعی در قبال راه حل‌های دست راستی در جامعه وجود دارد. ما باید به مردم این اعتماد را بهمی که این راه حلها واقعی‌اند. ما باید قدرت رهبری و هدایت گروه‌های متفاوت اجتماعی را دوباره کسب کنیم. ما نمیتوانیم بدون یک مبارزه جدی تغییری اساسی در این اوضاع بوجود آوریم. ما باید جنبشی بسازیم که قدرت اقتصادی و سیاسی‌اش قابل انکار و اغضان نباشد. مشکرم.

"میزگرد مسائل گرهی در جنبش کارگری" در آگوست ۹۵ به دعوت حزب کمونیست کارگری ایران (واحد کانادا) صورت گرفت. شرکت کنندگان این میزگرد عبارت بودند از ژان کلود پارویت معاون اول رهبری "سی. ال. سی" (اتحادیه سراسری کارگران کانادا)، بروس آلن از اعضا اتحادیه کارگران اتومبیل ساز کانادا و علی جوادی از اعضا تحریریه نشریه انترناسیونال. مباحثت این میزگرد در دو نویت در کارگر امروز درج خواهد شد. در این قسمت تلخیص شده سخنرانیها و در قسمت دوم که در شماره آینده کارگر امروز بچاپ میرسد سوال و جوابهای مطرح شده در میزگرد درج میشود. متن حاضر ترجمه‌ای است آزاد از انگلیسی به فارسی.



ژان کلود پرتو

### ژان کلود پرتو:

من میخواهم در زمینه توسعه سرمایه داری و ارتباط آن با جنبش کارگری و مبارزات طبقه کارگر که میباشد در این دوران صورت پذیرد صحبت کنم. ولی مقدمتاً اجازه دهید که چند نکته را تذکر دهم.

اولاً، فکر میکنم که باید به خاطر داشته باشیم که علیرغم تحولاتی که سرمایه داری در سطح جهانی داشته است، خصلت اساسی آن تغییر نکده است و نمیکند. از این‌رو بحث در مورد سرمایه داری بیش از هر زمان دارای موضوعیت است در حال حاضر همچون هر زمان دیگر دینامیسم فعالیتهای اقتصادی همچنان بر مبنای کسب سود است و توزیع نابرابر درآمد جهان‌شمول و بسیار گسترده میباشد. در سطح فرهنگی و سیاسی، آنچه ما شاهنش هستیم، توسعه فردگاری، رقابت و گسترش نقش بازار خصایل اصلی کارگران میباشد. مبارزه اقتصادی جوامع امروز هستند. مبارزه اقتصادی با کارگران مینمود. این یک روند واقعی بعد از جنگ دوم جهانی بود. کارگران از حق سازماندهی اتحادیه ای برخوردار بودند، و فاه نسبی در جامعه وجود داشت و سیاست اشتغال کامل نمایند. این تعلقات تمام اینها را نیز میباشد. کارگران خواسته میشند که حق کارفرما برای کنش و منیزیت واحدی‌ها تولیدی بینبرند.

امروز جهانی شدن سرمایه داری ابعاد وسیعی بخود گرفته است. یک مشخصه این روند میزان نقل و انتقالات مالی در سطح جهان میباشد. همانطور که میانند بروزانه بیش از یک تریلیون دلار مبادله ارزی در جهان صورت میگیرد. این مبلغ بیش از ده برابر حجم مبادلات ارزی میباشد که برای کارگران خرد و فروش کالا در سطح جهانی نه تنها بهتر بلکه بدتر نیز شد است. ثانیاً، پرخلاف دوره حاضر، مقطع مالی بسیار این نقل و انتقالات ساله بعد از جنگ دوم جهانی دورانی غیر متعارف در تاریخ موجودیت سرمایه داری بود. تیجتاً باید بگویی که چرخش به راست دوره حاضر، سرمایه داری معاصر را بسیار همگون تر با تاریخ عمومی‌اش و جوهر واقعی‌اش قرار می‌دهد. در طی دوران سی ساله اواسط دهه ۷۰ به بعد ما شاهد عکس العمل دولتها در این زمینه این‌رو می‌دانیم. دیلیم که چگونه به اصطلاح برای مقابله با تورم میزان اشتغال در پنجاه کمپانی از درآمد سالانه بیشتر وجود نیامند. امروز نیز شاهدیم که واضح است که این فعالیتهای اقتصادی خودپری مردم میزندند، ولیکن فراموش میکنند که تنها سیصد کمپانی بزرگ در جهان، یک چهارم سرمایه تولیدی در دنیا را در اختیار دارند. هفتاد درصد تجارت بین‌المللی و تزدیک به ۹۸ درصد سرمایه‌گذاری خارجی را بررسی میکنند. اما علیرغم این فشارها چند نکته مثبت، البته تعداد کمی، نیز رابطه خود را با این احزاب مجدداً بررسی میکنند. اما علیرغم این فشارها چند نکته مثبت، البته تعداد کمی، نیز وجود دارند. در سطح سیاسی جنبش کارگری تا حدود زیادتری به شناخته بوده است و وزنه سیاسی خود ممکن شده است. از این‌رو بحث میکنند که همچنانیم بسیاری که سرمایه داری از لشکر صاحبان بنگاههای اقتصادی کوچک



همه چیز معطوف به عکس العمل خیلار و مصرف کننده میشود. تبیغتا بازار و تحولات بازار نقش اساسی تری در زندگی کارگر بازی خواهد کرد و کارگر را در معرض ترحم دست بازار قرار میدهد. در این سیستم صفت کار قرار میدهد. در این سیستم صفت کار دارای یک هسته ثابت بهمراه بخش متغیر وسیع و نیمه وقت است. در این متده کاری میزان وسیعی از کارگران فقط بر حسب نیاز لحظه ای به کار فراخوانده میشوند. تبیغتا قراردادهای دسته جمعی کار به شدت مورد تهاجم قرار خواهد گرفت. این سیستم رقابت را در میان بخشهاي متفاوت کارگری افزایش میدهد، چرا که بالارفتن بار آوری تولیدی باعث تنزل حجم نیروی کار شاغل شده و در رقابت برای کار است که بخشهاي متفاوت کارگری در مقابل یکیگر قرار خواهد گرفت.

با در نظر گرفتن چنین چشم اندازی، سوالی که در مقابل ما قرار میگیرد اینست که در مقابله با تغییراتی که بر اثر کاربرد این سیستم در مقابل ما قرار میگیرد، ما چه عکس العملی باید نشان دهیم؟ مسلما اولین قدم میباشد در درک موقعیت حاضر باشد، اینکه چگونه این سیستم موقعیت فعلی کارگر را به عقب میراند. ما نمیباشد اجازه دهیم که کپایهای این سیستم تولیدی را در محیط های کاری پیاده کنند و سپس ما با عوایق آن دست و پنجه نرم کنیم، همان اتفاقی که در زمینه اجرای سیستم تولیدی تویوتا اتفاق افتاد. بعلاوه من معتقدم که ما میباشد سیستم تولیدی "اجایل" را در چهارچوبی جهانی درک کنیم که برخاسته از جهانی شدن تولید سرمایه داری است و ثمرات خودش را در قرارداد گت و نفنا نشان داد. ما میباشد این اقدامات را بمتابه گوش ای از تهاجم سرمایه به موقعیت کارگر بشناسیم. مبارزه با این شرایط مستلزم تعجیل نظر و یازنگری در تفکر غالب بن جنبش کارگری حاضر است.

جنبش ما نیازمند بحرانی سازنده است. ما میباشد به مسئله ناسیونالیسم پیردازیم، ما میباشد معضلات سوسیال دمکراسی را بمتابه جنبش کارگری را در قبال وقایع را نداره وجود ندارد. در این سیستم جایی برای کارگری که طور دیگر فکر میکند و یا به سرعت فکر نمیکند وجود ندارد. بازتاب این سیستم برای نیروی کار بسیار نگران کننده است. در این سیستم قدرت و سایه ای از تغییرات کارگری موجود باشد ولیکن در حال اجتماعی موجود باشد کاری جایی ندارد. طبقه بندی مشاغل در این سیستم به دور ریخته میشود. گروههای کاری که خود خویش را اداره و اهداف کاریشان را تعریف میکنند مبنای کار قرار داده میشود. مدافعان این سیستم معتقدند که کارگرها میتوانند کار را آزادانه هر طور که میخواهد حقوق کارگران را تنظیم کند و به آنها پاداش بدهد. معتقدند که این آزادی عمل کارگرها لازمه پاگیری تیمهای قابل انعطاف کاری است. در این سیستم

تولیدی "اجایل"، تلاش میشود که از تمام ظرفیت فکری و جسمی کارگر بهره گیری شود. کارگر میباشد مهارت و دانش کاری خود را مدام افزایش دهد و تماما با برنامه کاری کارفرما همگون شود. نظر به اینکه سرعت تصمیم گیری در این سیستم افزایش میباشد تبیغتا لازم است که کارگر از قدرت تصمیم گیری و دانش تصمیم گیری نیز برخوردار باشد. لذا افق کارگر و کارفرما باید یکی شود، ارزش هایشان باید یکی باشد، تعهداتشان از یک نوع باشد، مسئولیت هایشان مشترک باشد. در این روش تولیدی سلسه مراتب تصمیم گیری و لایهای اجرایی میباشد. در این روش تولیدی کارگر از لازم به تذکر مجلد نیست که در این سیستم کارگر باید پیندید که با کارفرما و سرمایه در یک سمت قرار دارد.

شاید در سی و یا چهل سال قبل میشد گفت که جزئی مانند حزب دمکراتیک نوین کاتادا میتوانست عامل تغییرات جدی ای در شرایط اجتماعی موجود باشد ولیکن در حال حاضر شاهد شاهدیم که چگونه این احزاب اهداف و برنامه های نیروهای دست راستی را دنبال میکنند. جنبش کارگری میباشد که آلتربناتیوی دست یابد که برای قرن بیست و یکم کارآیی داشته باشد. ما نیازمند پرینامه و نقشه عملی هستیم که اساسا مجهز به افقی جهانی باشد. ما میباشد جنبشی جهانی را در مقابل تهاجمات سرمایه سازمان دهیم

کارگری که قدرت عکس العمل شریع در قبال وقایع را ندارد وجود ندارد. در این سیستم جایی برای کارگری که طور دیگر فکر میکند و یا به سرعت فکر نمیکند وجود ندارد. بازتاب این سیستم برای نیروی کار بسیار نگران کننده است. در این سیستم قدرت و سایه ای از تغییرات کارگری موجود باشد ولیکن در حال اجتماعی موجود باشد کاری جایی ندارد. طبقه بندی مشاغل در این سیستم به دور ریخته میشود. گروههای کاری که خود خویش را اداره و اهداف کاریشان را تعریف میکنند مبنای کار قرار داده میشود. مدافعان این سیستم معتقدند که کارگرها میتوانند کار را آزادانه هر طور که میخواهد حقوق کارگران را تنظیم کند و به آنها پاداش بدهد. معتقدند که این آزادی عمل کارگرها لازمه پاگیری تیمهای قابل انعطاف کاری است. در این سیستم

مقاماتی از جانب رهبری رسمی اتحادیه ها مواجه نشد و هیچ اقدامی در مقابل آن صورت نگرفت. پیاده شدن این سیستم یکی از عوامل تزویل قدرت اتحادیه ای است. من میخواهم تأکید کنم که نزول قدرت اتحادیه ها به میزان زیادی ناشی از عوایق این سیاست و نه تماما تحت تاثیر سیاستهای ریگان و بوش بوده است. با

## میزگرد مسائل گرهی در جنبش کارگری

### بررسی آن:

امیدوارم که شما را با جزئیات بمباران نکم. علی القاعدۀ آنچه که من میخواهم بگویم زیر تیتر تحولات اخیر در سرمایه داری میگنجد. ابتدا باید بگویم که جنبش کارگری امروز در شرایط غیر قابل باور بحرانی بسر میبرد. چرا که هنوز از درک تحولات معاصر سرمایه داری جهانی عاجز است. مهمترین این تحولات تغییر جهانی پروسه تولید و منتظر با آن تاکید خود را روی این کار است. من تاکید خود را روی این قسم آخر میگذارم چرا که فکر میکنم قدرت کارگری در محیط کار نهفته است و این تغییر فرم سازماندهی از این جهت اهمیت ویژه ای پیدا میکند. در این زمینه کار بسیار کم شده و پیش در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، پرسنلی که دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، پرسنلی که دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلاش برای جذبی که در حال شکل گیری است، در دورانش بسیار آمده است، عدم قابلیت خود را در شرایط جهانی شدن سرمایه نشان داده است. که کلیه حلقه های تولیدی را در زیر سقف و در اختیار خود نگاه دارد. سیستم تولیدی تویوتا در ژاپن متولد شد و نقش اساسی در تحول تولیدی ژاپن به یک غول اقتصادی بازی کرد. در سالهای هشتاد کاربرد این سیستم در سطح جهان نیز گسترش فراوانی علی الخصوص در صنایع اتومبیل سازی و سپس در سایر صنایع پیدا کرد. گسترش این سیستم جنبش کارگری علیه ای را در مقابل جنبش کارگری قرار داده است: اجزای این سیستم در یک روند چندین ساله و با تلا

# کارگردانی

بن بست امروز رفمیسم مینای بسیاری از مشکلاتی است که جنبش اتحادیه ای با آن مواجه است. نزول صفات اتحادیه ها و سیر حاشیه ای شدن این تیروی اجتماعی که در بخش های بسیاری از جهان در حال شکل گیری است، مینای تمام علم توانایی رفمیسم در شرایط حاضر است. در نتیجه جنبش اجتماعی دیگر، مثلاً ناسیونالیسم، دست بالا و تفوق را در تحولات اجتماعی پیدا کرده اند و دارند نقش مغرب خود را ایفا میکنند. امیدوارم هیچگنام از شما که در این سمینار حضور دارید نظر مشتبی نسبت به ناسیونالیسم در هیچ شکل و فرمش، چه اشکال پنهان و چه آشکار آن ناشائته باشد. چرا که جوهر و ماهیت واقعی ناسیونالیسم دفاع از سرمایه "خودی" در فعلیتهای گوناگونش است، چه زمانیکه در نقض حقوق اولیه انسانها بخشی از بشر را بر علیه بخش دیگر بسیج میکند، چه زمانیکه کارگر "خودی" را بر علیه کارگر "غربی" تحریک میکند، چه زمانیکه در جنگ بسر میبرد و بالاخره چه زمانیکه مشغول تبلیغ جهات و عقب ماندگی است. هدف پایه ای و واقعی همه این تلاشها دفاع از موقعیت سرمایه در رقابت با سایر بخش های سرمایه است. هدف کسب سهم بیشتری از ارزش تولید شده توسط کارگر است. هر چند که این جوهر و هویت واقعی ناسیونالیسم است، اما تمام عملکردش نیست. ناسیونالیسم بشر را از خصلت انسانیش خالی میکند. جوهر انسانی انسان را ازش میگیرد. تاثیر اجتماعی این گرایش جز تکه تکه که کردن طبقه کارگر چیزی دیگر نیست.

اشکال آشکار این گرایش آنقدر ضد بشری اند که لازم نیست در این میزگره به نقشان پیرادازیم. اما اشکال پنهانی این گرایش ریشه دار تر و بر اتابت جان سختتر هستند. اجازه بدهید مثالی بنزن. مثال نفتا و موضعگیری جنبش رسمی اتحادیه ای در قبال آن چه در کانادا و چه در آمریکا گوششایی از این واقعیت را نشان میدهن. اپوزیسیون اتحادیه ای نفتا در این واقعه تماماً در صفت سرمایه "خودی" قرار داشت. صفت اپوزیسیون را اساساً بخش هایی از سرمایه هدایت میکردن که خواهان حفظ محدودیتهای تجاری در مقابل بخش های دیگر سرمایه بودند. در آمریکا راس پرو رهبری این جنبش اپوزیسیون را در دست داشت و جنبش اتحادیه ای این صفت را تقویت میکرد. جوهر مخالفت این بود که با بالا نگاهداشت میزان تعریفهای گمرکی این بخش از سرمایه از موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود و نتیجتاً موقعیت برتر سرمایه به معنای امکان موقعیت بهتر برای اتحادیه میباشد. جنبش اتحادیه ای در پس نفتا کارگر مکریکی را در مقابل خود میلید.

است. افق راست و مدل اقتصادی غالب را تماماً پنیرفته است، مجذب سیاستهایش شده است. به دنبال پایگاه اجتماعی وسیعتر در میان اقسام مینای جامعه است. اینکه این گرایش اجتماعی چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد، البته امری مربوط به آینده است، اما تا آنجا که میتوان پیش بینی کرد باید گفت که از سوسیال دمکراسی چیزی بجز یک اپوزیسیون نرم و ملایم در قبال سیاستهای وحشیانه راست در کلیتش باقی نخواهد ماند. این شیفت سوسیال دمکراسی بدون تاثیر بر جنبش کارگری و اتحادیه ای نخواهد بود. با اقول سوسیال دمکراسی افق سیاسی جنبش اتحادیه ای نیز تیره و تار شده است. در شکست سوسیالیسم روسی و اقول سوسیال دمکراسی زوال و ورشکستگی انتظام حاکم بر شوروی را با

مسائل گرهی جنبش ماست. آنچه گفته شد تنها بخشی از معضلات است که جنبش ما با آن روبروست. در این تبلیغات همچنین ادعا میشود که سوسیالیسم شکست خورده است. عمر مرده است. اما واقعیت چیست؟ بطور خلاصه، آنچه که شکست خورد، آنچه که عمرش بسیار رسید، تجربه شوروی است. مدل سیستم اقتصادی و سیاسی بلوک شرق است. در مقابل بلوکهای سرمایه داری، سرمایه داری رقابتی مدل غرب پیروز شد. نشان داده شد که بازار و رقابت مکانیسم بهتری برای سرمایه داری است. نشان داده شد که با تسلیم به این ایزارها بهتر میتوان تمام طرفیتهای نظام سرمایه داری را به کار گرفت. اما چگونه میتوان سیستم حاکم بر شوروی را با

## میزگرد مسائل گرهی در جنبش کارگری

**علی جوادی:**

تیتر مبحث سینار حاضر بررسی مسائل گرهی در جنبش کارگری است. این تیتر بسیار گسترده تر از آنست که من قادر باشم به تمام جواب آن پیراذم. نتیجتاً تلاش میکنم که در حد امکان به اصلیترین مسائل این جنبش پیراذم. صحبت های من به اشاراتی ذر زمینه ضرورت تغییر بنیادی در جامعه، موقعیت رفمیسم و تشکلهای کارگری محدود خواهد شد.

اجزه بدھید با این تذکر شروع کنم. تغییرات بنیادی ای در جهان صورت گرفته است. سیمای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک سرمایه داری معاصر تغییرات شگرفی کرده است. این تغییرات تاثیرات بسیاری در زندگی انسانهای بیشماری خواهند داشت. بنظرم این شرایط این حکم پایه ای را در زمینه مسائل گرهی جنبش کارگری باز دیگر تاکید میکند که تغییر بنیادی جامعه بشری امروز دیگر یک ضرورت مبرم است. چرا که از یک طرف رشد و توسعه سرمایه داری در دو دهه اخیر تغییراتی کیفی ای در ظرفیت تولیدی جامعه بوجود آورده و از طرف دیگر بشریت افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، معیط کار انسانی تر نمیشود. بلکه بر عکس، کارگر بیکار شرایط زائد نهادن میشود. این گوشه ای از جهان وارونه معاصر است که تنتیجاً باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و وزن بهره باشند و بدلتر در انواع خرافات مذهبی و ناسیونالیستی غوطه ور باشند. در این جهت اگر بارآوری کارگر بالا میزد، در مقابل باید بخشی از کارگران را بیکار کرد. اگر بارآوری کارگر بالا رود دستمزدها افزایش پیدا نمیکند، ساعات کار کمتر نمیشود، بعراحتی شده است. موقعیت و

# کارگر

## یادداشت‌هایی درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست

بعضی از صفحه ۵

برای همیشه پرونده شان بسته خواهد شد. هیچ وقت توی عمرم به اندازه این روزها و ساعتها احساس حقارت، ناتوانی و بیچارگی نکرده ام. هیچ وقت توی عمرم به اندازه این روزها و ساعتها احساس تنهایی و عجز نکرده ام. تنها در میان میلیاردها انسان که بر صفحات تلویزیون می‌بینند و از رادیوها می‌شنوند که ۴ میلیون انسان تباش می‌شوند اما دم بر نمی‌آورند. چه کاری از دستم ساخته است: قطارات اشکی بنشانه استیصال و بعضی که در گلو دارد خفه ام می‌کند، و رژه تصاویر کارگران دخانیات سلیمانیه و اریبل - کارگران شهرداری و خیاطان سلیمانیه. زحمتکشان محلات شهرها در پیش چشمانم، جوانان پرشور مسلح، کودکان شاد و آزاد روزهای آزادی و صورتهای خسته و چشمان گود افتاده دوستان از بی غنایی و بیخوابی و کار و فناکاری خستگی ناپذیر - دوستان دارم و ما باز هم سر راست می‌کنیم. ما در همه جای این کره خاکی، بشیرت اسیر امروز فردا اریاب جامعه خواهد شد. (ادامه دارد)

روی سنگی زیر باران می‌گذارد تا بقیه فرزناش را نجات دهد، او در آخرین لحظه به بچه اش می‌گوید: فرزندم بیمیر. اینطوری راحت تری! مرضیها و زخمیها بدون دارو و استراحت و زیر باران شدید و سوزش باد - در فاصله کرکوک تا مرز - در فاصله اریبل تا مرز و در فاصله سلیمانیه تا مرز در جاده ها - در کوهها، در دشتها زنان و مردان و کودکان پخش و پلا، سرماده، گرسنه و بی پشت و پناه. کودکان زیادی ول شده اند و مرده اند و زنان و مردان زیادی هم خود و خواهند مرد تایک دیکاتوژی رو بزواں سر پا بماند. این حکم امپریالیسم آمریکاست! حکمی که بیشمنه و آشکارا به جهانیان اعلام شد.

این یک توطنه جنایتکارانه علیه بشیرت بود. این یک ننگ بر پیشانی تعلق قرن بیستم بربری بوش بود. و این خفت برای کل بشیرت لال و خفه زمان است و این ننگ دیگر بر دامان ناسیونالیسم بی عرضه و بی خاصیت بروزها در کردستان یک صفحه سیاه دیگر را بر تاریخشان افزودند و شاید

جمهوری گفته است: ما دستور داریم هر جنبه ای را بکشیم در بصره، نجف و در کردستان هر کس شوار کردی پوشیده باشد. سوال می‌شود، از او می‌پرسند اما هنوز مردم در جنوب تظاهرات می‌کنند و افسری در جواب گفته: خیر ما همه تظاهر کنند ها را کشیم و کسی نماند تظاهرات بکند. این در حالیست که دسته دسته مردم آواره در راه فرار به مرزها تلف می‌شوند.

کودکان سرما زده و گرسنه - سالخوردگان و زخمیها و مرضیها از همه شناس کمتری دارند خود را به مرز پرسانند. آن بچه هاشیکه روی یک چهارچرخه در هم لویله اند با دستهای ضعیف پدر و مادر پیشان به جلو هل داده می‌شوند. آن بچه هاشیکه در چرخ دستی مخصوص گلکاری حمل می‌شوند. آن زخمیانیکه روی صندلیهای چرخان بیمارستان در جاده ها روانند. زنی بچه ۹ ماهه اش را

یکنوع فعالیت دیگر بعد از طعم تلغیت شکست. و با امید باز هم به کار خود ادامه خواهیم داد. افتخار بر شما دوستان عزیزم در شهرداری و دخانیات و کارخانه قند و خیاطی و در محلات شهرها ما همه یک راه را بدلین ترتیب نقشه ادامه کار فعالیت جنبش شورایی ناتمام ماند. نقشه ای که هرگز تکمیل نشد و زمان مجال نداد. نقشه توده ای شدن شوراها، نیروی مسلح توده ای شوراها و بالاخره تشکیل یک سازمان کارگری از رهبران و فعالین جنبش شورایی از میان کارگران و نظمه تشکیل یک حزب کارگری و تدازک برای آن. تخلیی بود؟ خیر. بی عرضگی و بین بست و خیانت جبهه متحد بورژوازی اساسی ترین علت شکست قیامی بود که می‌توانست یک انقلاب توده ای را بسرانجام برساند. و حالا دسته های قیام یکماده قبیل غارت نرفته باشد. یک سرباز گارد

۱۵ فروردین (۴ آوریل)

### یک شکست

ارتش شکست خوده و تحریر شده جنگ کوت اما فاتح جنگ داخلی اکنون در شهرهای کردستان عراق هار و درنده می‌کشد، می‌غرد و غارت می‌کند. کمتر خانه ای است که درب و پنجه هایش نشکسته و اموالش به غارت نرفته باشد. یک سرباز گارد

## میزگرد مسائل گرهی در جنبش کارگری

در این رویداد سرمایه "خودی" متحد جنبش اتحادیه ای و کارگر مکریکی در صفت مقابل قرار داشت. هر چقدر که بخشایی از سرمایه موقعیت خود را بیشتر در خطر میلیند، اتحادیه های آن بخش نیز سرخخت تر در قبال نفتأ موضعگیری میکردند. در این رویداد منفعت سرمایه، توسط اتحادیه منفعت کارگر قلمداد میشد. جنبش اتحادیه ای زندگی بهتر برای کارگر را در موقعیت بهتر برای سرمایه "خودی" میبیند. ناسیونالیسم یک گرایش خطرناک در جنبش کارگری است. جنبش سوسیالیستی ما بدون نقد همه جانبه ناسیونالیسم نمیتواند بسادگی رشد و گسترش یابد. باید این گرایش را در همه زوایای ایزوله کرد. همانظریه که در ابتدای بعض گفتم، فکر میکنم که ما در مقطع تاریخی مهم قوار داریم از اینروه همچنین وضعیت کارگر و موقعیت تشکل های کارگری موجود میباشد. اما راه حل تامین وحدت بخشایی مختلف طبقه کارگر نیز نه تنها یک مشکل دائمی این جنبش است بلکه در موارد زیادی به رو در رویی کارگر بیکار و شاغل منجر شده که حتی ضربات سنگینی برای این بخش در تشکلش ندارد. تامین وحدت بخشایی مختلف طبقه کارگر نیز نه تنها یک مشکل دائمی این جنبش است بلکه در موارد زیادی به رو در رویی کارگر بیکار و شاغل منجر شده که حتی ضربات سنگینی به رو در قبال این وضعیت چیست؟ چه باید بکنیم؟ آیا مانند بسیاری باید خود را مشغول دمکراتیزه کردن این تشکل های طبقه کارگری زده است. تاریخ جنبش طبقه ما پر از چنین رویدادهایی است.

برای درک موقعیت جنبش اتحادیه ای باید این مسئله را متوجه بود که اتحادیه ها اساساً بازتاب جنبش اجتماعی و سیاسی معینی در جنبش فلکه کنند و ذاتی جنبش اتحادیه ای رنج نمیرد. تکرار میکنم در این جنبش کارگر بودن، مزد بکیر بودن تشكل کارگر بودن، مزد بکیر بودن مبنای گردهم آمدن است: مبنای متحد شدن است. این جنبش از معضلات فلکه کنند و ذاتی جنبش اتحادیه ای رنج نمیرد. تکرار میکنم در این جنبش کارگر بودن مبنای اتحاد است، باشگاه بودن و پرداخت حق عضویت

به اتحادیه. امروز جنبش اتحادیه با معضلات بسیاری رویرو است. افق اجتماعی، راه حل اقتصادی، مبانی تشکل و اتحادش با موانع زیادی مواجه است. موقوفیت این جنبش در دوره جنگ سرد تا حدود زیادی ناشی از ثبات اقتصادی و ملزمومات سیاسی داده شده آن دوران بود. امروز شرایط بطور بنیادی عوض شده است. آن شرایطی که بنیانی موقوفیت جنبش اتحادیه ای را تشکیل میداند امروز به عکس خودشان تبدیل شده‌اند، از این‌رو این جنبش در بحران بسر میبرد. بحران این جنبش بازتاب بحران بن بست رفرمیسم و سوسیال دمکراسی است. درک این مسئله و موقعیت حاضر برای جنبش ما مهم است. خلاصه باید بگویی آنچه که امروز ما انجام میدهیم، راهی را که انتخاب میکنیم، جنبشی را که تقویت میکنیم، در مقابل گرایشی که ایستادگی میکنیم، همه بسیار مهم و تعیین کننده است: ما در شرایطی زندگی میکنیم که هر نوع ایند برابری طلبانه، هر نوع عقیده آزادی خواهی مورد بنیادی در جامعه است متکن میکند. این جنبش تاریخاً وجود داشته است، این سنت جنبش شورایی طبقه کارگر است، تاریخاً شوراها ظرف این جنبش بوده اند. در این جنبش، در این تشكل کارگر بودن، مزد بکیر بودن مبنای گردهم آمدن است: مبنای متحد شدن است. این جنبش از معضلات فلکه کنند و ذاتی جنبش اتحادیه ای رنج نمیرد. تکرار میکنم در این جنبش کارگر بودن مبنای اتحاد است، باشگاه بودن و پرداخت حق عضویت

متشرکم.

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol 6, NO 57, February 1996

صفحه ۱۶، سال ششم، شماره ۵۷، اسفند ۱۳۷۴

## استشار کودکان، پدیده جهانی



در غرب شاهد آن هستیم، قرار دارد. در آلمان ۶۰۰ هزار کودک به کار اشتغال سومی نیست، بلکه جزئی از زنجیره دارند و طبق آخرين تحقیقاتی که در کلن تولید کپانی های چندملیتی شده است. توسعه مطبوعات انجام شده است، اخیرا ۳۸۰ نیروی کار بزرگسال با کار کودکان جایگزین شده است. فقط در یکی از ایالت های آمریکا، کالیفرنیا، ۶۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال در بخش کشاورزی کار می کنند. کپانی های بین المللی مانند فولکس واکن، فیات، جنرال موتورز، و فورد برای های چندملیتی را تشکیل می دهد. بدین ترتیب شرایط کار کودکان در کشورهای توسعه نیافرته شدیداً تغییر کرایش به کار انعطاف پذیر که

استشار کودکان دیگر یک پدیده جهان سومی است و بر اساس آمار بیشترین کوادکان در کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین کار می کنند، اما سود حاصل از کار کودکان عملتاً نسبت سرمایه های غربی می شود. امروزه کار کودکان بخش مهمی از زنجیره تولید کپانی است. بدین اینکه بخواهیم به این توجه دامن برآینی که اینجا اتفاقی در حال شروع است. ولی شور و شوقی که آدم در میان مردم مختلف بحث میکنند، که واقعاً جبری آور است. فضای پرشور واقعاً روزهای اقلالی است. بدین اینکه بخواهیم به این توجه دامن برآینی که اینجا اتفاقی در حال شروع است. ولی شور و شوقی که آدم در میان مردم

سنديکای اصلی مخالف یعنی "ثڑت" و "آف" خیلی رادیکال صحبت میکنند و میگویند تا زمانی که دولت این طرح را کاملاً پس نگیرد ما بهموجه وارد مذاکره نیشیم. این یک بدعط کم سابقه در جنبش سنديکاتی فرانسه است که نشان میدهد که رادیکالیسم توده های کارگر چقدر قوی است و چقدر خودش را تحمیل کرده است.

قبل از اینکه به آینده این مبارزه پردازیم میخواستم در مورد اتفاقات عمومی فرانسه پرسم. در صحنه های تلویزیونی می بینیم که علی رغم اینکه این اعتصاب بخش زیادی از زندگی مردم را مختل کرده است ولی اتفاقات عمومی بطور گسترده ای از آن حمایت می کند.

بله، علی رغم تمام مشکلاتی که این اعتصاب برای مردم ایجاد کرده است، مثلاً هر روز چهار تا پنج ساعت باید راه بروند تا سرکار برسند ولی با وجود این اعتصاب شدیداً محبوسیت دارند. زیرا منعکس کنندگ تمايل خلیع عیق در مردم است. مردم که ۱۵ سال تمام فشارهای اقتصادی و مالی و غیره را تحمل کردند، در این اعتصاب حتی اگر خودشان هم شرکت نکنند انعکاس تمايلات واقعی خودشان را می بینند. مردم دیگر نمی خواهند اینهمه فشار را تحمل کنند و بیش از این شاهد از بین رفتن دستارهایشان باشند. علاوه بر محبوسیت اعتصاب، انگار این اعتصاب سد ازوا و تنها همه را شکسته است. الان بقیری ساده ارتباط آدمها وصل نمیشود، افراد با هم در مورد اعتصاب و جامعه و مسائل مختلف بحث میکنند، که واقعاً جبری آور است. فضای پرشور واقعاً روزهای اقلالی است. بدین اینکه بخواهیم به این توجه دامن برآینی که اینجا اتفاقی در حال شروع است. ولی شور و شوقی که آدم در میان مردم

بقیه در صفحه ۸

صاحبه نادر بکتاش با رادیو انترناسیونال در سوئد

## کارگران پوچم سرخ بالا بودند و سرود انترناسیونال خواندند

متن تلخیص شده مصاحبه رادیو انترناسیونال با نادر بکتاش درباره مبارزه کارگران فرانسه که در دسامبر ۹۵ و در زمانی که هنوز این اعتصابات در جریان بود انجام شده است.

تا پهلا احزاب و جریانات کارگری در تمایل عمومی در چه جهتی دارد پیش میروند. برای نمونه در دسامبر ۸۶ و ۸۷ اعتصاب خیلی مهم در راه این حرکت خیلی خصلت نیست. چون همانطور که شاید اطلاع داشته باشد رژیم را سیاست ریاضت اقتصادی در فرانسه در خیلی رادیکال کارگری بود. که این خود واقع از سال ۸۳ شروع شد. دولت سوپریا لیست فرانسه در سال ۸۱ سر کار آمد و دو سال بعد یک برنامه ریاضت اقتصادی را در در دستور کار گذاشت. تمام ده هشتاد و ده نو در واقع برنامه هایی در جهت استقرار هر چه بیشتر این سیاست ریاضت اقتصادی و خیلی رادیکال و سازش ناپنیر را انجام دادند. این اعتصابات البته محدود به همان بخش مانند و خیلی گسترش پیدا نکرد. منتها چشم اندازی در مقابل سایر بخش های مزد بکیران فرانسه گذاشت. این حرکت اخیر مشخصه اش اینست که یک رادیکالیسم خیلی همه جا گیر را طبقه کارگر در فرانسه بکند. طرح دولت ژویه به یک معنی میخواهد تجربه تاجر و ریگان را تکرار کند و در سطح گستردگی و همه جانبه و عمیق زیرا بجهات اجتماعی طبقه کارگر را در فرانسه بزند. از طرف دیگر در تمام ده کارگران و مردم این سیاست کام به رهبری سنديکاتها هم تجربی شده است. ۸۰ کام لیبرالیزه کردن اقتصاد را تحمل کردند. حرکتهای اغترابی ای بود که محدود ماند ولی بهره حلال نشان داد که

## آدرس کمیته های همیستگی کارگری

- \* کمیته بین المللی همیستگی با کارگران ایران - هماینگ کنند: رضا ملتمن ICSIW, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و کانادا - هماینگ کنند: مسجد بهمنی ICISC, P.O. Box 1228, Snt. O Toronto, Ont, M4T 2P4, Canada
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و سوئد - هماینگ کنند بهزاد بارگهانی ISASK, Box 4082, 128 05 Bagis, Sweden
- \* کمیته همیستگی با کارگران ایران - انگلستان - هماینگ کنند: اماد کافا ILCS, BM Box 1919, London WC1N 3XX, England
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و فنلاند - هماینگ کنند: علی خرد Kuovikja 2A2, 103 20 Karaa, Finland
- \* کمیته کارگری ایران - آمریکا - هماینگ کنند: علی جوادی P.O. Box 241412, L.A. CA 90024, USA
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و اتریش - هماینگ کنند: مهندی آردی L.A.S, Postfach 570, 1151 Wien, Austria
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و فرانسه - هماینگ کنند: نادر بکتاش CSOI, Mr. Tary, P.R. 38 Bld. Strasbourg, France
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و ترکیه - هماینگ کنند: رضا شورستانی Reza, Box 2020, 136 02 Haninge, Sweden Fax: 46-8-53185272
- \* کمیته همیستگی کارگری (ایران و آلمان) - هماینگ کنند: یوسف بهزادی Postfach 180 468, 60085 Frankfurt/ M, Germany
- \* کمیته همیستگی کارگران ایران و دانمارک S.K.I, Box 1715, 2300 Copenhagen S, Denmark

## نشره گارگر امروز رایگان است

نشره گارگر امروز رایگان در اختیار خوانندگان قرار می گیرد. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه، سالانه معادل ۸ مارک آلمان، است. بهای نشریه در کیوسکها و مراکز حرفه ای توزیع نیز تنها معادل هزینه توزیع و حق الزحمه فروشندۀ است.

هزینه اشتراک گارگر امروز بعده اسپانسرهای نشریه و همچنین گمک های مالی خوانندگان است.

### フォーム اشتراک

Name: \_\_\_\_\_  
Address: \_\_\_\_\_  
Postcode: \_\_\_\_\_  
City: \_\_\_\_\_  
Country: \_\_\_\_\_

### اشتراک نشریه ساده است

برای اشتراک نشریه تنها کافیست فرم مقابله را پر کنید و همراه هزینه اشتراک به یکی از آدرس های کارگر امروز ارسال دارید.